

اکتبر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۵ برابر ۲۰ اکتبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۹

مذاکرات ریکیاویک به نتیجه نرسید

ریگان فقط "جنگ ستارگان" را می خواهد

مذاکرات ریکیاویک به نتیجه نرسید. با اینکه پیشنهاد های سازنده و شجاعانه رهبری شوروی در این مذاکرات، طرفین کارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا پیرامون خلع سلاح در ریکیاویک پایتخت ایسلند به نتیجه مطلوب نرسید. رهبری شوروی در این مذاکرات، طرفین را به توافقی جامع درباره قطع مسابقه تسلیحاتی، آغاز خلع سلاح اتمی و جلوگیری از نظامی کردن کیهان بسیار نزدیک کرده بود، پافشاری ریگان بر پیشبرد برنامه "جنگ ستارگان" به هر قیمت، گفتگوهای ریکیاویک را بی نتیجه گذاشت.

بقیه در صفحه ۱۲

فصلی از کتاب:

حزب همانگونه که هست

وحدت و مبانی آن

نوشته: آلوارو کونیهال
دبیر کل حزب کمونیست پرتغال
در صفحه ۹

قطعه نامه یازدهمین

کنگره جهانی سندیکاها

درباره جنگ ایران و عراق

یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر در برلین، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان برگزار گردید. ما در شماره ۱۲۶ نشریه اکتبریت، گزارش مشروحی از جریان برگزاری این کنگره منتشر کردیم. در کنگره جهانی سندیکاها، تنه‌خانه‌ای نیز در محکومیت جنگ ایران و عراق صادر شد. متن این قطعه نامه چنین است:

۱ - یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها، که از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر در پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان برگزار گردید، نگرانی عمیق خود را از ادامه جنگ ایران و عراق، که وارد هفتمین سال خود می‌شود، جنگی که باعث تلفات عظیم انسانی و مادی در مرد و کشور گشته است، ابراز می‌دارد. بقیه در صفحه ۱۲

تظاهرات در تهران

دو این تظاهرات ادامه پروتست مردم از رژیم، به صورت تظاهرات ۱۷ مهر و ۲۰ آذر ۶۳ و روزگناه امجدیه بود

آن‌ها شعار مرگ بر خمینی را تکرار می‌کردند. نیروهای سرکوبگر به تیراندازی رو آوردند و تعدادی را مجروح ساختند. ده‌ها تن از تظاهرکنندگان دستگیر گردیدند که از سرنوشت آن‌ها تاکنون اطلاعی در دست نیست.

تظاهرات ۱۸ مهر یک بار دیگر نشان داد که نفرت عمیق مردم از رژیم خمینی به مجرد پدید آمدن زمینه‌های مهیا برای بروز، چه جلوه پرتنگی دارد. اعدام‌ها و دستگیری‌های فزون از شمار و مجموعه تهیدات پلیسی و امنیتی، هیچ یک قادر نیستند سدره فوران خشم خلق گردند. در این میان، همواره این مردمند که رژیم و ارکان‌های امنیتی رتکارش را غافلگیر می‌کنند. رژیم گمان می‌برد بقیه در صفحه ۲

تیم پرسپولیس و ملوان صورت گرفت. از آغاز مسابقه زمینه‌های بروز حرکت محسوس بود. شعارهای تماشاچیان از ابتدا جهت‌دار بود. پس از پایان مسابقه، جمعیت انبوهی که از ورزشگاه خارج می‌شد با این موضوع مواجه گردید که برای انتقال آن‌ها به شهر، شرکت واحد اتوبوسی اختصاص نداده است. جمعیت که در خروجی ورزشگاه آزادی اجتماع کرده بودند و همچنان شعارهای معنی‌داری در حمایت از تیم محبوب خود می‌دادند و مسئولین ورزشی را می‌کوبیدند، به تدریج شعارهای خود را عوض کرده و مستقیماً رژیم را نشانه گرفتند. آن‌ها به صورت پیاده به سوی شهر راه افتادند و دم به دم شعارهای خود را آتشین‌تر ساختند. در حالی که ارکان‌های سرکوبگر رژیم سراسیمه به آنان هجوم آورده بودند،

تهران، جمعه ۱۸ مهر - به دنبال برگزاری یک مسابقه فوتبال در ورزشگاه آزادی، بر زمینه نفرت عمومی مردم از رژیم خمینی، ناراضی‌های شدید ورزشکاران و ورزش‌دوستان، و مسایلی که در هفته‌های اخیر در مجامع ورزشی کشور پیش آمده، تظاهراتی در تهران صورت گرفت که بازتاب وسیعی در کشور یافت. این تظاهرات ادامه ابراز خشم جوانان در شکل حرکت‌های گسترده اعتراضی در ۱۷ مهر و ۲۰ آذر سال ۶۳ در ورزشگاه امجدیه بود. جوانان شعار مرگ بر خمینی سر داده و علی‌رغم بیورش نیروهای سرکوبگر توانستند با مقاومت دلیرانه خود مجتمع باقی مانده و به صورت چندین دسته پر شمار شعارهای خود را به داخل شهر ببرند. تظاهرات به دنبال مسابقه و

کردستان: رنجی سه‌گانه

چهره شهرهای کردستان

شهرهای کردستان، به شهرهای اشغال شده می‌مانند. در خیابان‌ها گشت‌های مختلف در حرکتند. جوانان تنها با توجیبات قرص و محکم می‌توانند در سطح شهر حرکت کنند. برای دستگیر کردن جوانان به اندازه کافی بهانه وجود دارد. دست کم به این بهانه می‌توان متوسل شد که جوانان کرد از رفتن به سرسازی و شرکت در جنگ ارتجاعی امتناع می‌ورزند. آغوش پیشمرگ‌ها به روی جوانانی که از رفتن به سرسازی خودداری کرده و به کوه پناه می‌برند، باز است. آن‌ها به پیشمرگ‌ها می‌پیوندند.

سربازان غیر کرد نیز در کردستان، با امتناع از شرکت در جنگ، در آغوش خلق کرد پناه می‌جویند. در اوایل امسال به دنبال یک حمله عراق تعداد چشمگیری سربازان منطقه اشنویه چپه را ترک کرده و بقیه در صفحه ۲

کردستان، کردستان است. کردستان بخشی از کشور رنج‌دیده ماست. کردستان یک منطقه جنگی است. هر یک از این سه خصوصیت، رنج‌ها و ستم‌های بی‌شماری را با خود دارند. کردستان سرکوب می‌شود، از آثرو که کردستان است، از آثرو که مظهر ستم ملی است، از آثرو که برای برانداختن این ستم به‌پا خاسته است. بر رنجی که خلق کرد به عنوان خلقی تحت ستم می‌کشد، رنج سترگ ناشی از حاکمیت یک رژیم قرون وسطایی خورنریز که رنج مشترک همه خلق‌های کشور ماست، افزوده گشته است. همه‌جا عرضه سرکوبگری و خورنریزی است، در همه جا ستم سرمایه پیداد می‌کند، همه جای ایران از فقر، کرسنگی، بیکاری و دیگر مظاهر فلاکت اقتصادی رنج می‌کشد. اما این رنج‌ها و ستم‌ها در کردستان مضاعف می‌شوند. و بالاخره کردستان یک منطقه جنگی است. در جوار عراق قرار دارد و آتش جنگ مستقیماً پیکرش را می‌سوزاند.

در این شماره

طنین فریاد مرگ بر جنگ

در پهنه گیتی

در صفحه ۶

آغاز خروج نیروهای شوروی

از افغانستان

در صفحه ۱۲

کنگره جهانی بمناسبت

سال بین‌المللی صلح

در صفحه آخر

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

تظاهرات در تهران

بقیه از صفحه اول

دیگر ورزشگاه‌ها را به کنترل خود درآورده است و می‌تواند جلوی تکرار تظاهراتی مانند تظاهرات برجسته سال ۶۲ را بگیرد اما جوانان پرشور و رزمجو نشان دادند که رژیم کور خوانده است. در قلب آن‌ها خشم و نفرت انباشته‌تر از آن است که مشتی‌پاسدار ۲۵ به دست بتوانند از فوران آن در هنگام بروز عینی مناسب، جلوگیری کنند.

زمینه مشخص تظاهرات ۱۸ مهر را لهریز شدن کاسه صبر ورزش‌دوستان از غدارمندی‌ها، سرکوبگری‌ها و شکست آفرینی‌های مسئولین رژیم در زمینه ورزش تشکیل می‌داد. استعفای ۱۴ تن از بازیکنان تیم ملی فوتبال به دنبال بازگشت از سئول، عبق بحران در فضای ورزشی ایران را به نمایش گذاشت. ورزشکاران تیم ملی استعفا دادند تا نشان دهند حاضر نیستند حکومت نظامی مرتجعین در پهنه ورزش را تحمل کنند. فاکامی‌های پیبایی درمیدین ورزشی، فقدان امکانات، سوء استفاده‌های مسئولین، نشان دادن مثنی قلدر بی‌شعور بر تخت ریاست فدراسیون‌ها و تفتیش عقیده، پیگرد و جاسوسی و دستگیری در میان ورزشکاران، نفرت عمیقی را نسبت به رژیم در میان ورزشکاران و ورزش‌دوستان پدید آورده است که بر اثر چارعمومی آنان از حکومت افزوده گشته است. این نفرت در ۱۷ مهر ۶۲ در ورزشگاه امجدیه نمود آشکاری یافت. ۱۵ روز بعد جوانان ورزش‌دوست در تظاهرات دیگری مجدداً خشم خود را علنی ساختند. پس از این تظاهرات مسئولین رژیم بیش از ۸ ماه جلوی مسابقات باشگاه‌های دسته اول تهران را گرفتند، وقتی هم که ناچار شدند بازی‌های فوتبال را از حالت تعطیل درآورند، به هزار تمهید امنیتی متصل شدند تا بتوانند ورزشگاه‌ها را تحت کنترل داشته باشند.

تظاهرات ۱۷ مهر ۶۲ تظاهرات ۲۲ آذر را به دنبال داشت. این تظاهرات در شهرستان‌ها نیز تکرار شد. واکنش رژیم فقط بی‌آبرویی بیشتری به همراه آورد. تظاهرات ۱۸ مهر نیز باز تکرار خواهد شد و باز تمهیدات امنیتی رژیم، حکومت را رسواتر خواهد ساخت. جوانان در این میدان گل‌های درخشانی به رژیم زده‌اند. در آینده نیز شاهد حملات درخشان دیگری از سوی آنان خواهیم بود.

کردستان: رنجی سه‌گانه

بقیه از صفحه اول

عمدتاً به نفع پناه آوردند. مامورین و دژبان‌ها در شهر به کشت برداختند تا آنان را دستگیر کنند. اهالی شهر سربازان فراری را به داخل خانه خود پناه داده، به آن‌ها لباس مبدل دادند. آن‌ها بدین وسیله توانستند از چنگ مامورین رژیم بگریزند.

برخی از شهرهای کردستان، همچون بانه و مریوان چهره یک پادگان را به خود گرفته‌اند. رهگذران عادی کمتر به چشم می‌خورند. ارتشی و پاسدار، نفربرها و کامیون‌های نظامی، این‌ها عناصر اصلی تصویری است که از بانه و مریوان در چشم می‌نشیند. در سنندج، سقز و مهاباد، عبور بی در پی گشتی‌های تارالله چشم را می‌آزارد. شهربانی را نیز برای پیگرد نیروهای انقلابی

که پیگرد و سرکوب در درون شهرها آهنگ بی‌وقفه‌ای دارد، آن‌ها را به محاصره امنیتی نیز درآورده‌اند تا بدون کنترل پلیسی کسی از شهر خارج نشده و یا به شهر داخل نشود. بعد از استقرار "گلوگاه‌های امنیتی"، کنترل شدت یافته است. در شمال کردستان دو محور مهم راه نطقه و راه میان‌دوآب را شدیداً زیر کنترل قرار داده‌اند. در جنوب نیز محاصره سنندج را شدت بخشیده‌اند. علی‌رغم این تمهیدات در داخل و خارج شهرها، مبارزه کاستی نگرفته است. تداوم مبارزه مردم کردستان از شکل‌های صنفی گرفته - هم چون اعتصاب تاکسی‌رانان نطقه در اردیبهشت ماه - تا حرکت‌های سیاسی - نظامی پیشمرگان، حاکی از پتانسیل عظیم خلق کرد برای پیشبرد مبارزه در سخت‌ترین شرایط است.



آموزش نظامی و تسلیح اجباری

از آغاز بهار امسال، فشار بر روی روستاییان برای تسلیح آنان افزایش گرفته است. رژیم مقرر کرده است که در همه روستاها، ده درصد از روستاییان می‌بایست هر شب مساله تامین "امنیت" ده خود را به عهده گرفته و به عنوان بسیجی با نیروهای سرکوبگر همکاری کنند. روستاییان را همچنین به اجبار وامی‌دارند در نگهداری از مقرهای نظامی رژیم شرکت داشته باشند. در شهرها نیز چنین رویه‌ای پیش گرفته شده است. همه کارمندان و معلمان را وامی‌دارند در دوره‌های آموزشی نظامی شرکت کنند. عدم شرکت در این دوره‌ها موجب اخراج فرد می‌گردد. آموزش نظامی با آزار و اذیت همراه است. یکی از هدف‌های این دوره‌های آموزشی نظامی، ترساندن افراد و بازداشتن

فعال کرده‌اند. شب‌هنگام، حالت حکومت نظامی کاملاً محسوس است. بر سر این کوچه یا آن کوچه چند ماشین ارگان‌های سرکوبگر ایستاده است. پاسداران به داخل خانه‌های بورس آورده‌اند تا جوانی را دستگیر کنند. هیچ شب و یا روزی بدون بورس و دستگیری سیری نمی‌شود. زندان‌ها انباشته شده‌اند. از نیروهای انقلابی و همسران و والدین و برادران و بستگان پیشمرگ‌ها.

اعدام‌ها، بدون این که اعلام شود، بی‌وقفه ادامه دارد. آخرین نمونه تا زمان ارسال این گزارش اعدام ۱۲ تن از نیروهای انقلابی در سنندج در روز ۲۴ مرداد ماه است.

کردستان خود منطقه‌ای تحت محاصره است. در درون حماری که گرد کردستان کشیده‌اند نیز محاصره‌ها، متعددی به وجود آورده‌اند. در حالی

آن‌ها از همکاری با نیروهای انقلابی است. از افرادی که دوره آموزش نظامی را طی کنند، علاوه بر اعزام آن‌ها به جبهه، برای محافظت از مقرها و پادگان‌های داخل شهرها نیز - خاصه در سقز و دیواندره و کامیاران - استفاده می‌کنند. بعد از این که در جریان بمباران پادگان سنندج دو تن از کارمندان اهل دیواندره کشته شدند، رژیم موقتاً به خاطر ناراضی‌های شدید کارمندان از این دوره‌های آموزشی، این طرح سرکوبگرانه را متوقف ساخت اما بعد از مدت کوتاهی آن‌را از سر گرفت.

فقر و فلاکت

در کردستان فقر و گرانی و بیکاری بیداد می‌کند. نان را نیز که قوت لایموت مردم است، از آنان دریغ می‌کنند تا چه برسد به برنج و روغن و شکر. در اواسط تابستان کمبود و گرانی نان در سنندج فشار زیادی بر مردم وارد ساخت. قیمت یک عدد نان سنتک به ۱۰۰ ریال و یک عدد نان لوش به ۲۵ ریال رسید. هم‌اکنون مساله نان در این شهر حالت عادی نیافته است.

در شهرهایی مانند سنندج، افزایش جمعیت ابعاد فلاکت اقتصادی را چند برابر ساخته است. جمعیت سنندج در چند ساله اخیر چهار تا پنج برابر شده است. اهالی شهرها، دم‌توب - مانند مریوان و بانه - و روستاییانی که خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند و یا حاضر به تسلیح اجباری نبوده‌اند، برای اسکان به سنندج روانه شده‌اند.

کارخانه‌های محدودی که در کردستان وجود دارد نیز مثل بقیه کارخانه‌های کشور در حال ورشکستگی و تعطیل شدن به سر می‌برند. در سنندج کارخانه ریسندگی و رنگرزی "شاهر" که دارای ۲۷۰ کارگر است، در آستانه تعطیلی است. در اواخر تیر ماه، در کارخانه به دلیل نداشتن مواد اولیه، به مدت ۱۵ روز بسته شد. اکنون قرار است حقوق کارگران را نصف کرده و کارخانه را به صورت یک شیفتی درآورند. تعاونی تولیدی شماره ۸ سنندج (تعاونی کم‌دسازان) نیز در آستانه ورشکستگی است. این کارخانه را نیز به دلیل نداشتن مواد اولیه مدتی تعطیل کردند.

فقر، فلاکت، سرکوب، اما کردستان از پا نمی‌افتد. هر چه می‌گذرد کینه رژیم نسبت به این خطه و مردم آن بیشتر می‌شود. کردستان هزار رنج بر پیگرد دارد، اما دلیرانه بر سر پا ایستاده است. کردستان، همچون کوه‌های خود سرفراز و مغرور است.

منتشر می شود:

تاکتیک "نفوذ" پلیس

وراه‌های مقابله با آن

آموزش عالی از فن‌ها، زنه‌ها، بالیس سیاسی

تاکتیک "نفوذ" پلیس
وراه‌های مقابله با آن
اوتشانت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
عبرهء ۱۳۶۵ - به: ۲۰ روال

جزوه "تاکتیک "نفوذ" پلیس
وراه‌های مقابله با آن" از انتشارات
سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثريت) بزودی منتشر می‌شود. این
جزوه جمع‌بندی تجارب و اطلاعات در
زمینه شیوه‌هایی که پلیس سیاسی علیه
سازمانهای مردمی و مترقی بکار
می‌پندد، می‌باشد. در مقدمه این جزوه
آمده است:

عملیات خرابکارانه توسط
جاسوسان، یکی از شیوه‌های جدی
"پلیس مخفی" دشمن در تخریب
ایدئولوژیک، سیاسی، روانی و
فیزیکی در صفوف سازمانهای انقلابی
است.

نفوذ جاسوسان پلیس خطر مهلکی
است که مداوماً موجودیت سازمانهای
انقلابی را تهدید می‌کند. تجربه نشان
می‌دهد هر چاکه خمص طبقاتی موفق به
کاربرد موثر این سلاح می‌گردد، کنترل
و مهار ضربات وارده و پیامدهای
ایدئولوژیک، سیاسی و روانی آن به
امری دشوار تبدیل می‌گردد.

در شرایط کنونی کشور ما عوامل
متعددی ضرورت تجهیز هر چه
گسترده‌تر سازمانهای مخفی به دانش
وفن مقابله با نفوذ دشمن را ایجاب
می‌کند.

در ادبیات سازمانهای انقلابی
کشور در این زمینه کوشش جدی برای
جمع‌بندی تجربیات و اطلاعات موجود
مشاهده نمی‌شود. از این کمبود دشمن
در جهت تخریب در صفوف نیروها،

انقلابی استفاده می‌کند.
نیروهای انقلابی در کشور ما
بعد از تحمل یک رشته ضربات سنگین،
اکنون وارد دوره بازسازی و تحکیم
شکله‌های مخفی خود گردیده‌اند. در
این شرایط خطر نفوذ جاسوسان دشمن
بیش از هر زمان دیگری وجود دارد.
"ساواک خمینی" با بهره‌برداری از
دشواریهای این مرحله از مبارزه
حداکثر کوشش خود را برای گسیل
"روپهان دوپای خود" به درون
سازمانهای مخفی بکار می‌گیرد.

پراکنندگی و تفرقه در صفوف
نیروهای انقلابی و سکتاریسم ریشه‌دار
در جنبش، شرایط مساعدی را برای
نفوذ پلیس مخفی خمینی و سرویسهای
جاسوسی کشورهای غربی در داخل و
خارج از کشور فراهم ساخته است.
اصرار بقاییت غیر مسئولانه بعضی از
سازمانهای مترقی و انقلابی کشور
برای تداوم این وضعیت و تکیه بر
منافع گروهی و تنگ‌نظرانه، آشکار و
پنهان مورد بهره‌برداری ساواک رژیم
خمینی قرار گرفته و می‌گیرد.

ارگانهای اطلاعاتی رژیم
خمینی از تجربه سرکوب خونین
سازمانهای انقلابی و از کادریهای
کارکنان ساواک شاه برخوردار است.
ولی در بین سازمانهای انقلابی موجود
همکاری و هم‌آهنگی موثر در انتقال
تجربیات و اطلاعات برای خنثی
کردن توطئه‌های پلیس رژیم خمینی
مشاهده نمی‌شود.
در حال حاضر بخشی از رهبران،

وکادریها و اعضا سازمانهای انقلابی
کشور که مجبور به اقامت در کشورهای
غربی شده‌اند، در معرض خطر مستقیم
فعالیت نفوذی سرویسهای اطلاعاتی
غرب قرار دارند. این خطر بهیچ وجه
کمتر از خطر نفوذ ساواک خمینی در
شکله‌های مخفی درون کشور نیست.
سرویس‌های اطلاعاتی غرب حساسترین
نقطه این سازمانها یعنی ارگانهای
رهبری آنها را هدف کار نفوذی، خود
قرار می‌دهند. اگر این خطر امروز
بالقوه است ولی برای فردای جنبش
ما امری بسیار مهلک و خطرناک است.

مقابله با نفوذ "پلیس سیاسی"
برای هر سازمان انقلابی و برای جنبش
خلق دارای اهمیت حیاتی است.
برخورد قاطع و بی‌گیرانه با نفوذ
جاسوسان، نشانه جدی بودن یک
سازمان سیاسی است. کمینترن یکی از
معیارهای بلشویزم در سطح احزاب
کمونیستی را کیفیت مبارزه آنها با
پلیس سیاسی کشورهای خویش
می‌دانست.

ما به پیروی از مصوبات پلنوم
فروردین ماه ۱۳۶۵ و با الهام از منافع
جنبش انقلابی و طبقه کارگر میهنمان
همه سازمانهای مترقی و انقلابی را که
درگیر نبرد با "پلیس دشمن" هستند، به
همکاری، انتقال تجربیات و اطلاعات
متقابل فرامی‌خوانیم. این همکاری
می‌تواند به مقابله با جاسوسان دشمن و
خنثی‌سازی توطئه‌های آن یاری رساند
و به ارتقا تجربیات سازمانهای

انقلابی در مبارزه با پلیس سیاسی
رژیم خمینی منجر گردد. اشتراک مساعی
در مقابله با پلیس سیاسی دشمن، نیاز
مهم جنبش انقلابی میهنمان است. با
هیچ بهانه و مستمسکی نمی‌توان و نباید
از تقویت و تحکیم نیروی پایدار و
استقامت شکله‌های انقلابی شانه‌خالی
کرد. هرگونه تئوری پاف‌ی و مانع‌تراشی
در این زمینه مستقیماً به سود دشمنان
طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش میهن
است و مسئولیت آن بر دوش کسانی
است که حاضر به پذیرش ضرورت
همکاری همه‌جانبه نیستند.

ما خواندن جزوه "تاکتیک
"نفوذ" پلیس و راه‌های مقابله با آن"
را به همه توصیه می‌کنیم. کوشش در
جهت توزیع هر چه وسیع‌تر این جزوه
و بهره‌گیری از همه امکانات در جهت
دستیابی مبارزین داخل کشور به آن،
وظیفه انقلابی همه کسانی است که
تحکیم و تقویت سازمانهای مردمی و
مترقی را در جهت براندازی رژیم
خمینی، آرزوی می‌کنند.

تذکره خواهشمند است هر نظر
دیگری که در مورد ایشان دارید با
توضیح کافی مرقوم فرمایید.

Form with fields for name, address, and contact information. Includes a header with the title of the article and a footer with the publisher's name.

احتمالی در این موارد را پس از
پیروزی بیان کنید.

- ۴ - میزان التزامی فرد را نسبت به
- احکام مذهبی بیان کنید.
- ۵ - میزان تعهد ایشان را نسبت به رعایت اخلاق اسلامی بیان کنید.
- ۶ - آیا اطلاعی از وابستگی فکری - تشکیلاتی ایشان با هر گونه تشکیلات دارید.
- ۷ - آیا ایشان در حال حاضر وابستگی به سازمان‌ها و احزاب غیر اسلامی دارد.
- ۸ - بنظر شما ایشان صلاحیت اخلاقی لازم جهت پذیرفتن مسئولیت در دانشگاه را دارند.

"دیدگاه‌ها و فعالیت سیاسی ایشان را بنویسید!"

آموزش عالی صادر شده است.
پرسشنامه مزبور به ابادی رژیم در
میان کارکنان و استادان دانشگاه‌ها و
اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان
داده می‌شود تا به جاسوسی و جمع‌آوری
اطلاعات در مورد استادان و کادر
آموزشی مراکز آموزش عالی
بپردازند.

- ۱ - مدت و نحوه آشنایی خود را با نامبرده مختصراً توضیح دهید و یا از چه کانال‌هایی توانستید راجع به ایشان اطلاعات بدست آورید.
- ۲ - چنانچه از فعالیت‌های نامبرده در انجمن‌های اسلامی و یا نهادهای انقلاب اطلاعی دارید توضیح دهید.
- ۳ - زمینه‌های مطالعات اسلامی و دیدگاه‌های سیاسی ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییرات

تجسس و تفتیش عقاید در
جمهوری اسلامی، جزئی از وظایف
رسمی ارگان‌های حکومتی است که زیر
نظر مستقیم ساواک خمینی انجام
می‌شود. کارکنان هر واحد دائماً مورد
بازبینی و تجسس واقع می‌شوند. این
امر در مراکز آموزشی با شدت ویژه‌ای
به اجرا گذاشته می‌شود. بطور مثال در
دانشگاه‌ها استادان دائماً در زیر
ذره‌بین جاسوسان رژیم قرار
می‌گیرند. جمع‌آوری اطلاعات و
اقدامات تجسسی، علیرغم نیاز حیاتی
جمهوری اسلامی به نیروهای متخصص و
میهن‌پرور تبلیغاتی در مورد استخدام و
جذب متخصصین، با شدت دنبال
می‌شود.
پرسشنامه‌ای که در مقابل مشاهده
می‌کنید از سوی وزارت فرهنگ و

حمله موشکی به بند آد

در هفته گذشته حملات نظامی طرفین درگیر در جنگ، بار دیگر شدت یافت و خطر از سرگیری جنگ شهرها دگرپارده بر مناطق مسکونی و غیرنظامی دو کشور سایه افکند. جمهوری اسلامی آتشباری توپخانه‌ای خود را روی شهر پسره از سر گرفت و طی چند روز حملات توپخانه‌ای به مناطق مسکونی این شهر، دهها تن را کشته و زخمی ساخت. عراق نیز طی حملات هوایی مکرر، یک واحد تولیدی - صنعتی در خوزستان، در نیروگاه برق و نیروگاه شیراز را بمباران کرد. طی حمله هوایی عراق به یک فرودگاه هواپیمای مسافربری در فرودگاه شیراز سه تن کشته و ۲۷ نفر مجروح شدند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی طی نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل، ضمن اعتراض به حمله عراق به یک هواپیمای مسافربری اعلام کرد که جمهوری اسلامی برای مقابله با این حملات، دست به اقدامات مشابهی خواهد زد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد که تاسیسات نفتی واقع در جنوب غربی شهر کرکوک را توسط نیروی هوایی مورد حمله قرار داده است. روز ۱۹ مهرماه جمهوری اسلامی اعلام کرد که با کمک اتحادیه میهنی کردستان عراق یک عملیات جریکی در شرق خاک عراق انجام داده است. این عملیات با عنوان "فتح ۱" و در منطقه کرکوک انجام گرفت این اولین بار است که جمهوری اسلامی رسا خبر می‌دهد که "اتحادیه میهنی کردستان عراق" به نیروهای نظامی ایران کمک می‌کند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در جریان حمله هوایی عراق به شهر هفت تنه، ۱۴ تن از افراد غیرنظامی کشته و ۶۵ تن زخمی شده‌اند. جمهوری اسلامی روز ۲۵ مهرماه اعلام کرد که با یک حمله موشکی به بند آد تاسیسات مخابرات این شهر را هدف قرار داده است. ایمر در حالی است که عراق اعلام کرده است، موشک دوربرد جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی بغداد اصابت کرده و در جریان این حمله ۶ تن کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند. عراق همچنین از خبرنگاران خارجی خواست تا از محل اصابت موشک ایران در بند آد بازدید بعمل آورند.

در هفته گذشته حملات در حوزه آب‌های خلیج فارس نیز شدت گرفت. عراق طی چند حمله هوایی به بمباران حوزه‌های نفتی رستم، ساسان و رکنان پرداخت و بار دیگر پایانه نفتی خارک را نیز به آتش کشید. جمهوری اسلامی ضمن تأیید حمله عراق به پایانه نفتی خارک، مدعی شد که یک فروند چنگنده عراق را نیز سرنگون کرده است. در جریان حملات موشکی ایران به یک نفتکش بافنامایی ۱۵ خدمه آن مفقود اعلام شده‌اند. عراق نیز روز ۲ مهرماه یک نفتکش ایرانی را در نزدیکی ساحل خارک مورد حمله قرار داد.

رژیم جمهوری اسلامی که در تدارک یک حمله وسیع به عراق است، اعلام داشت سربازانی که دوره خدمت وظیفه‌شان تمام شده است، مرخص نخواهند شد. روزنامه کیهان ۲۰ مهرماه از قول رئیس اداره وظیفه عمومی نوشت که "پرسنل وظیفه‌ای که در سال خدمت دوره ضرورت آنان تا پایان حال جاری به اتمام نرسد یک یا دو ماه دیرتر ترخیص خواهند شد."

پیامدهای انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

کیهان ۱۹ مهرماه - درگیری و تقابل جناح‌های درون حکومتی بار دیگر حول مسئله انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حدت یافت و علنی شد. حجت الاسلام راستی سرپرست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در استعفانامه خویش، مخالفین خود و از جمله بهزاد نبوی و سلامتی را تلویحا عوامل منحرف و پاکسازی شده نامیده بود. موافقت خمینی با استعفانامه راستی در واقع به معنای تأیید گذراندن بر مفاد آن تلقی می‌شد. بهزاد نبوی در نامه‌ای برای خمینی تصریح کرده بود، "از آنجا که متن استعفانامه همراه با پاسخ حضرتعالی که در واقع موافقت با استعفا بوده منتشر گردیده است و نامبرده در متن مزبور علاوه بر طرح استعفا مسائل دیگری نیز مطرح کرده بودند که مغرضین پاسخ آن حضرت را تأیید تمامی مطالب استعفانامه مزبور تلقی می‌نمایند، استدعا دارد ... اعلام نظر فرمایید." خمینی نیز اعلام کرد که "اینجانب فقط با استعفا آقای راستی و انحلال سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود به هیچ وجه موافقت نکردم."

در نامه یکی از اعضای مستعفی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در کیهان همان تاریخ به چاپ رسیده است، حقایق دیگری افشاشده است. در این نامه ضمن حمله به مخالفین دولت میرحسین موسوی و حجت الاسلام راستی سرپرست سازمان مزبور نسبت به علت انحلال این سازمان چنین آمده است، "کدام ساده اندیش و سطحی انگاری باور می‌کند که بدلیل مشغله فراوان و ناساعد بودن حال مزاجی یک فرد، یک سازمان عقیدتی - سیاسی با آن همه سابقه درخشان منحل گردد؟"

خباپانهای تهران



تلی از گل ولای و زباله در امتداد پیاده‌رو و آب جاری در سطح کوچه و خیابان، از خدمات شهری و عمرانی اثری بر جای نیست.

۱۷۰۰ نفر در بلوچستان دستگیر شدند

فرمانده کل کمیته‌های انقلاب اسلامی طی مصاحبه‌ای فاش ساخت که نیروهای بازم بیشتر به منقله سیستان و بلوچستان اعزام شده‌اند. اعزام پاسداران حکومتی به منطقه سیستان و بلوچستان که به بهانه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر صورت می‌گیرد اساساً وظیفه سرکوب مردم را دنبال می‌کند. فرمانده کل کمیته‌های انقلاب اسلامی گفت، "پاسگاه‌های مرزی جمهوری اسلامی در این مناطق در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به سه برابر سال‌های قبل توسعه داده است."

رژیم مدعی است که در پی اعزام پاسداران کمیته‌ها تحت عنوان "کاروانهای نور" به سیستان و بلوچستان، میزان کشف مواد مخدر فزونی یافته است. فرمانده کل کمیته‌های انقلاب اسلامی در مصاحبه خود اعلام داشت "طی ۶ ماهه اول سال جاری ۱۴ تن مواد مخدر در سلسله عملیات‌های کمیته کشف و ضبط شده و در این رابطه ۱۷ هزار نفر دستگیر شده‌اند."

هفته گذشته در پی جلسه هیات دولت اعلام شد که به منظور تقویت و تجهیز پاسداران کمیته‌ها در منقله سیستان و بلوچستان مبلغ ۱۵۰۰ میلیون ریال بودجه اضافی در نظر گرفته شده است.

استعفای اعضای تیم ملی فوتبال

چهارده تن از چهره‌های سرشناس تیم ملی فوتبال ایران، بلافاصله پس از بازگشت از بازیهای آسیایی سئول به طور دسته جمعی استعفادادند و اعلام کردند که بعد از این در بازیهای ملی شرکت نخواهند کرد. آنان متن استعفانامه خود را به مطبوعات و رسانه‌های جمعی فرستادند که تنها قسمتی از آن در روزنامه کیهان ۱۶ مهرماه بازنتاب یافت.

روزنامه کیهان استعفای بازیکنان تیم ملی را یک اقدام بی سابقه و ناگهانی خواند و نوشت، بدین ترتیب فوتبال ما در اقدامی غافلگیرانه وارد دوران جدیدی می‌شود و در یک لحظه سرنوشت ساز قرار می‌گیرد.

از میان دیگر رویدادها

* رادیوی دولتی ۲۶ مهرماه - خمینی و منتظری دیدار و گفتگو کردند، رادیوی جمهوری اسلامی پیرو اعلام این خبر افزود که موضوع این ملاقات گفتگو حول مسائل مهم مملکتی بوده و از توضیح بیشتر پیرامون این موضوع اجتناب ورزید.

* کیهان هوایی ۲۲ مهرماه - ژان برنارد ریمنون وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد فرانسه به مذاکرات خود با ایران برای حل برخی از اختلافات ادامه می‌دهد. وزیر امور خارجه فرانسه خطاب به خبرنگاران گفت، "ما روابط خود با ایران را در حد عادی برقرار کرده‌ایم بدون آنکه به هیچ وجه سیاست خود را تغییر داده باشیم و مادر این راه از سوی کشورهای عرب بسیار مخالف ایران نیز تشویق می‌شویم."

بدنبال توقف انتشار نشریه مجاهد در پاریس، نشریه‌ای بنام "بولتن خبری انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)" کوشیده بود بخشی از وظایف آن را بر عهده بگیرد که آخرین شماره آن در تاریخ جمعه ۴ مهر منتشر گردید. در ماه جاری بجای "بولتن خبری" نشریه‌ای با عنوان "نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)" در همان قطع و ابعاد شماره‌های آخر بولتن خبری آغاز به انتشار کرد. مطالب شماره آغازین "نشریه اتحادیه..." حاکی از آن است که گردانندگان ارگان‌های تبلیغی سازمان مجاهدین همچنان قصد دارند با همان سبک و سیاق گردانندگان نشریه مجاهد به کار ادامه دهند، سبک و سیاقی که تا کنون این همه آسیب به مجاهدین زده است. نشریه مجاهد که از انحصارطلبی و تنگ نظری نمونه‌واری تبعیت می‌کرده، دشمنی با جنبش کمونیستی ایران و افترا زنی به کمونیست‌ها را به یکی از محورهای کار خود بدل کرده بود. در همین راستا با بهره‌گیری از منحن‌ترین روش‌ها کوشیده بود اذهان خوانندگان‌اش را مواضع سازمان‌ها، مخشوش نماید. نخستین شماره دوره جدید "نشریه اتحادیه..." در مقاله‌ای که لطن روال "نشریه" مجاهد" به سختی می‌توان مطالب آن را از میان انبوه فحاشی‌ها بیرون کشید، نشان می‌دهد که اینان چگونه از پرداختن به وظایف و مسایل مشخص هراس دارند و از آن می‌گریزند. بهانه فحاشی‌های این نشریه "نقد" مقاله‌ای است که در اکثریت شماره ۱۱۸ با عنوان "ایرانیان در خارج از کشور؛ واقعیت‌ها، پیشداوری‌ها، ضرورت‌ها" درج شده است. در آن مقاله اکثریت ضمن تشریح جوانب کژنگون زندگی و مبارزه ایرانیان در خارج از کشور وظایف نیروهای مترقی در قبال آنها بر شمرده شد. آن مقاله از آنجا که

آینه گر نقش تو بنمود راست

مقیم خارج را نادرست می‌شمرید؟ بازم پاسخ دهید! پاسخ این پرسش‌ها قبل از هر چیز به خودتان کمک خواهد کرد و می‌تواند زبان حاصله از کاربست چنین روش‌هایی را متوقف نماید.

در آن مقاله ما هم چنین نوشتیم که در قبال ایرانیان خارج از کشور "وظیفه چیست؟ آگاه کردن و متشکل کردن، هرچه بیشتر و هرچه وسیعتر، این وظیفه به هیچ رو نمی‌تواند عینا وظیفه سمیات‌گیری باشد. سخن بر سر وظایف دمکراتیک است. کسی که خود عمیقا دمکرات نیست، نمی‌تواند به کار دمکراتیک بپردازد... می‌بایست هیچگاه فراموش نکرد که تنها شکل‌های عمیقا دمکراتیک، قادر به جذب بخش‌های وسیعی از ایرانیان در خارج از کشور است... می‌خواهیم با مردم خود در تماس و پیوند باشیم؟ اکثریت همینانی که در خارج از کشور در اطراف ما هستند، مردمند و مردمی..."

خوب چه می‌گوئید؟ نظر شما چیست؟ مخالفید؟ بگوئید! هرات داشته باشید و بگوئید. اینها مسائل معین و مشخص است. نظر شما پیرامون تشکل‌های دمکراتیک چیست؟ به آن معتقد نیستید؟ به تشکلی از نوع دیگر اعتقاد دارید؟ از آن دفاع کنید! بگوئید مشخصات تشکل مورد نظرتان چیست؟ ور رفتن شما با حلقه تسبیح بلندی از فحش و افترا که مشخصات چنان تشکلی را بیان نمی‌کند. اصلا به ضرورت متشکل بودن ایرانیان خارج کشور اندیشیده‌اید و یا شامه اعتقاد دارید که سه میلیون ایرانی مقیم خارج "مردم" نیستند؟ هرچه که می‌اندیشید بگوئید اما به آنان افترا نزنید و نگوئید که مسئله میلیون‌ها هموطن‌ها، در خارج تنها "پرونده‌های پنهان‌دگی" است.

این حقیقت است که آن مقاله اکثریت جوانبی از کژ رفتاری‌ها و کژ اندیشی‌های شما را نیز نمایاند. ولی چرا آنهمه غضبناک شده‌اید؟ آینه گر نقش تو بنمود راست - خود شکن آینه شکن خنلاست •

گفته و می‌گویند. مثلا در همان مقاله مدعی شده‌اند که ما خواستار استرداد مجاهدین از فرانسه شده بودیم. مشابه این دروغ را پیش از این نیز در "بولتن خبری" شماره ۲۲ نوشته بودند. اینها بخشی از دروغ‌های بسیار دیگری است که پیرامون کارکرد سازمان ما و دیگر سازمان‌های چپ می‌نویسند. آنان با سوء استفاده از اعتماد کسانی که احیانا این نشریه تنها منبع اطلاعات آنهاست، تلاش می‌ورزند جو بی اعتمادی نسبت به سازمان‌های انقلابی ایجاد کنند و با برانگیختن آنان علیه فعالین انقلابی و سنگ اندازی در مبارزه مشترک، پيله خود ساخته را حفظ کنند.

آنها حرف‌های نامربوط زیادی می‌زنند تا یک حرف مربوط هم گفته نشود؛ هر می‌گویند تا هیچ نگویند؛ جنجال بپا می‌کنند تا از پاسخ به سئوالاتی که در سطح جنبش پیرامون کردارشان وجود دارد بگریزند. اما راه گریز بسته است. زیرا که زندگی این سئوالات را در پیش پای اینان نهاده است. با هو و جنجال می‌توانند گرد و خاک کنند. اما گرد و خاک فرو می‌نشیند و باید بگویند که چه می‌گویند و کجا ایستاده‌اند و چه می‌خواهند؟ زندگی سئوالات را تکرار می‌کنند.

ما هم سئوال‌اتمان را تکرار می‌کنیم. شاکه به مقاله "ایرانیان در خارج از کشور..." پرداخته‌اید، باید به سئولات معینی پاسخ بدهید. در همان بخش مقاله اکثریت که در نشریه شما کلیشه شده است، تصویری از کارکرد شما در عرصه کار میان ایرانیان خارج از کشور وجود دارد. چه می‌گوئید؟ آیا حاضرید رسماً نیز از آن نحوه کار دفاع کنید؟ بگوئید! نترسید و پاسخ دهید! آیا آن گونه برخورد اهانت آمیز با ایرانیان

بازتاب دهنده صدیق مسائل و مشکلات ایرانیان خارج کشور و نشان دهنده امکانات مبارزاتی آنان و وظایف نیروهای مترقی در این زمینه بود، با استقبال گسترده‌ای روبرو گردید. در آن مقاله روش برخورد تنگ نظرانه و تحقیر آمیز سازمان‌های سیاسی و از جمله سازمان مجاهدین با ایرانیان در خارج از کشور و تلقی آنان از کار در میان این دسته از هم‌میهنان مائتد گردید و نشان داده شد که چگونه کاربست آن روش‌ها به پراکنده نگه داشتن ایرانیان مقیم خارج می‌انجامد و تاکید شد که این جز به سود دشمنان مردم نیست.

نویسندگان "نشریه اتحادیه..." که در برابر آن تحلیل همه جانبه و این انتقاد، نه توان پذیرش و نه حرفی برای گفتن دارند چاره را در این دیده‌اند که بکشند تا خوانندگان نشریه خود را بفریبند. اگر بخواهیم "پاسخ" این نشریه را به آن مقاله اکثریت غربال کنیم و هرزه‌گویی‌ها را واگذاریم آنچه که باقی می‌ماند تنها یک جمله است. در این جمله آمده است که گویا ما از آنان خواستیم "بپایند و پرونده‌های پنهان‌دگی این آقایان در شهرهای مختلف اروپا را بپیکری کنند!"

انتساب چنین مطلبی به آن مقاله صاف و پوست کنده یک دروغ آشکار است و به قصد فریب کسانی بیان می‌شود که به نویسندگان آن نشریه اعتماد دارند. تنها جمله "مربوط" مقاله غربال شده نیز چنان نامربوط است که قضیه "حسن و خسین و دختران مغاوبه..." را بخاطر می‌آورد. البته پیروان سبک و سیاقی که گردانندگان نشریه مجاهد از بیرون جنبش به عاریت گرفته و از آن خود کردند، از این سخنان نامربوط زیاد

دولت این کشور و جمهوری اسلامی، ترکیه خرید نفت خود را از جمهوری اسلامی قطع کرده است.

* رسالت ۱۶ مه‌ماه - پس از رد لایحه نظام پزشکی توسط شورای نگهبان، منافی سرپرست منصوب سازمان نظام پزشکی اسلامی اعلام کرد "این لایحه به شکل جدید بدطوری که نظر شورای نگهبان را تأمین کند اصلاح شد و در کمیسیون بهداری مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است.

دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی مجارستان دیدن کرد. ارایش هونکر رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان در ملاقات با موسوی ازدولت‌های ایران و عراق خواست به‌چنگ پایان دهند و اختلافات خود را با مذاکره حل‌کنند. موسوی و هیات همراه پس از پایان دیدار از آلمان دمکراتیک وارد مجارستان شدند.

* یک روزنامه چاپ ترکیه اعلام کرد که بدنبال بروز اختلاف نظر پیرامون بهای نفت بین

* در دیدار سفیر تایلند در جمهوری اسلامی با وزیر بازرگانی پیرامون مسایل مربوط به گسترش مناسبات بازرگانی دو کشور بحث و گفتگو بعمل آمد. باید خاطر نشان ساخت که وزیر بازرگانی تایلند برای انجام یک دیدار رسمی بزودی وارد تهران خواهد شد.

* طی روزهای شنبه تا پنج‌شنبه هفته گذشته، میرحسین موسوی به همراه هیاتی از کشورهای جمهوری

طنین فریاد مرگ بر جنگ، در پهنه گیتی

بریتانیا

بنابه دعوت "کارزار بین المللی برای صلح و دموکراسی در عراق و ایران"، روز ۲۹ شهریور در شهر لندن راهپیمایی بزرگی صورت گرفت. شرکت کنندگان در این راهپیمایی که در میانشان نمایندگان پیش از شانزده حزب، سازمان، اتحادیه و ... مترقی و صلح دوست حضور داشتند، شش عبور از خیابان‌های مرکزی لندن و در حالیکه پلاکاردهایی با مضامین صلح خواهانه در دست داشتند علیه ادامه جنگ ایران و عراق به تظاهرات پرداختند.



سیر راهپیمایی سکوت داشتند را بخود جلب نمود، آنها در حمایت از خواست پایان دادن به جنگ، با

طنین شعارهای "مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام"، "صلح، صلح آزادی، مرگ بر خمینی" به زبان‌های انگلیسی و فارسی توجه رهگذران و مردمی که در



هلند

بنابه دعوت "کمیته علیه جنگ ایران و عراق" که در نیمه دوم مرداد ماه سال جاری با شرکت فدائیان خلق (اکثريت) - هلند، حزب توده ایران - هلند و حزب کمونیست عراق - هلند تشکیل شده بود، در روز اول مهرماه تظاهراتی در لاهه پایتخت هلند صورت گرفت. در این تظاهرات علاوه بر سه نیروی نامبرده، لیگ سراسری هنرمندان، روزنامه نگاران و نویسندگان دمکرات عراقی - هلند و برخی از ایرانیان و هلندی‌های صلحدوست شرکت نمودند.

تظاهرکنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهایی چون "جنگ ایران و عراق را متوقف کنید"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "هیچ زنی نباید به جبهه فرستاده شود" به راهپیمایی در خیابان‌های لاهه پرداختند. آن‌ها با توقف در برابر سفارت ایران و عراق و فریاد شعارهای کوبنده، نفرت خویش را از جنگ افروزان ابراز داشته، سیاست ادامه جنگ را محکوم کردند.

در پایان تظاهرات، از سوی راهپیمایان قطعنامه‌ای به پارلمان هلند تسلیم گردید. در این قطعنامه ضمن اشاره به پیامدهای هولناک جنگ از رژیم‌های ایران و عراق خواسته شده است که:

"۱ - عملیات نظامی بی‌درنگ قطع شوند!

راهپیمایان ابراز همبستگی کردند. وقتیکه صف راهپیمایان از مقابل سفارت جمهوری اسلامی می‌گذشت، خروش فریاد مرگ بر جنگ چنان طنین افکند که مردم بسیاری از نقاط مختلف "هاید پارک" (یکی از مراکز عمده ایراد سخنرانی و اعتراضات سیاسی) برای ابراز همبستگی با تظاهرکنندگان به راهپیمایی پیوستند و با آنان همصدا شدند. طی این راهپیمایی از سوی فدائیان خلق ایران (اکثريت) - بریتانیا و "کارزار بین المللی برای صلح و دموکراسی در عراق و ایران" اعلامیه‌هایی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در محکومیت سیاست ادامه جنگ توزیع شد که با استقبال مردم مواجه گردید.

دانمارک

حزب کمونیست دانمارک درج گردید.

پیش از این تظاهرات در روز جمعه ۲۸ شهریور آکسیون توسط فدائیان خلق در یکی از مراکز شهر کپنهاگ برپا گردیده بود. در این آکسیون فدائیان خلق ضمن تشکیل نمایشگاه عکسی علیه جنگ به پیش تراکت‌ها و اعلامیه‌هایی به زبان‌های فارسی و دانمارکی در میان مردم پرداخته، آنان را به شرکت در تظاهرات ۳۱ شهریور دعوت نمودند. بازدیدکنندگان دانمارکی نمایشگاه با امضای متنی در اعتراض به جنگ خونبار ایران و عراق حمایت خویش را از مردم ایران در نبرد علیه بیدادگری‌های رژیم مرتجع خمینی اعلام نمودند.

برخواستهای زیرتاکید شده است:

۱ - اعمال فشار به رژیم‌های دو کشور برای پایان دادن جنگ.

۲ - تحریم بین‌المللی تحویل سلاح به دو کشور.

۳ - اعتراف علیه نقض حقوق بشر و درخواست آزادی زندانیان سیاسی"

همچنین از طرف کمیته برگزارکننده تظاهرات که فدائیان خلق، توده‌ای‌ها، هواداران حزب کمونیست عراق و اعضای حزب کمونیست دانمارک و حزب سوسیالیست چپ دانمارک در آن حضور دارند، یک بیانیه مطبوعاتی بمناسبت آغاز هفتمین سال جنگ به مطبوعات مختلف داده شد. متن این بیانیه در روزنامه لندفالد ارگان

دو کشور تاکید نمود. آنگاه گروه موسیقی موزیک‌های صلح را نواخت. سپس تظاهرکنندگان به راهپیمایی در خیابانهای شهر کپنهاگ پرداخته، در مقابل پارلمان دانمارک توقف نمودند. در این محل ویلوسیکردسون دبیر کمیته صلح و دموکراسی (شهردار سابق کپنهاگ، عضو فعلی شورای شهر کپنهاگ و یکی از رهبران حزب سوسیالیست دانمارک) سخنرانی کرد. وی در سخنان خود مبارزات مردم ایران و عراق در راه برقراری صلح و دموکراسی ورهایی از سرکوب و اختناق را مورد حمایت قرار داد.

در پایان مراسم، قطعنامه تظاهرات که یک نسخه از آن به نمایندگان پارلمان دانمارک تسلیم گردید، قرائت شد. در این قطعنامه

از سوی "کمیته صلح و دموکراسی برای مردم ایران و عراق" روز ۲۱ شهریور ماه در میدان مرکزی کپنهاگ (رودوس پلاس) تظاهراتی با شرکت جمعی از نیروهای مترقی و صلحدوست ایرانی، عراقی و دانمارکی صورت گرفت. شعارهای اصلی تظاهرات پیرامون برقراری صلح و قطع شکنجه و اعدام در دو کشور ایران و عراق بود. در میدان رودوس پلاس - محل اجتماع تظاهرکنندگان - یوان نیونیک عضو هیات مدیره کمیته صلح و دموکراسی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک سخنرانی نمود. وی در سخنرانی خود بر نقش نیروهای سیاسی دانمارک جهت فشار بیشتر بر دو رژیم ایران و عراق و قطع ارسال سلاح از سوی کشورهای اروپایی به

آمریکا

واشنگتن

اتحادیه و انجمن از کشورهای مختلف با شرکت در این حرکت اعتراضی و با اعلام همبستگی با آن، حمایت خود را از نیروهای صلح و دموکراسی در ایران و عراق بیان داشتند.

تظاهرکنندگان در مسیر راهپیمایی که از مقابل دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی شروع و در برابر سفارت عراق پایان یافت، فریاد اعتراض خویش را با شعارهایی چون «زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام» به گوش مردم رساندند.



روز ۲۹ شهریور به ابتکار «ائتلاف صلح بین ایران و عراق» تظاهراتی در واشنگتن انجام گرفت. در تظاهرات این ائتلاف که هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هواداران اتحادیه دموکراتیک عراق و انجمن دانشجویان کرد در آمریکا و کانادا تشکیل شده است، ده‌ها تن از ایرانیان و عراقی‌های میهن‌دوست شرکت کردند. همچنین نمایندگان ۲۲ حزب،



نام برد.

در پی تظاهرات اول مهر، از طرف روزنامه «وارهاید» مصاحبه‌ای با نمایندگان ایرانی و عراقی «کمیته علیه جنگ ایران و عراق» ترتیب یافت. همچنین روزنامه «مانیفست» ارگان حزب کمونیست‌های هلند اقدام به درج بیانیه این کمیته نمود و یک ایستگاه رادیویی هلند به مصاحبه با نمایندگان ایرانی، عراقی و هلندی شرکت کننده در تظاهرات پرداخت.

۲- به بهارن شهرها، مراکز اقتصادی و کثرت مردم غیر نظامی خاتمه داده شود!

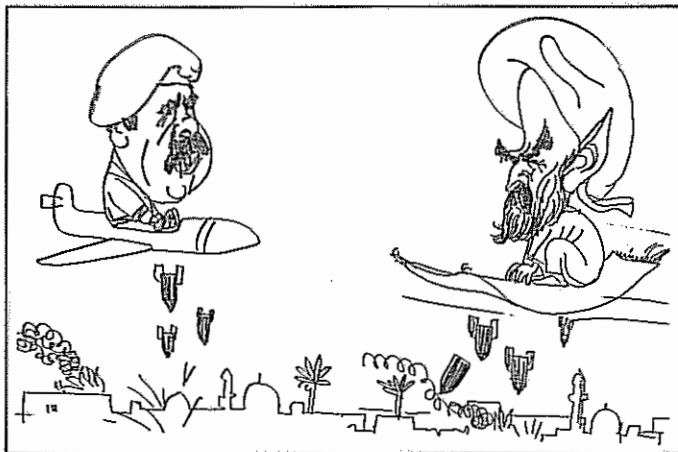
۳- مذاکرات برای حل اختلافات هر چه زودتر شروع شود!
از میان نیروهایی که با امضای قطعنامه مزبور موافقت خود را با مبارزات صلح طلبانه خلق‌های ایران و عراق اعلام کرده‌اند می‌توان اؤحزب کمونیست هلند حزب کمونیست‌های هلند و اتحادیه سراسری جوانان هلند

آرلینگتون

صلح‌دوستی و شعارهایی چون «از مبارزات مردم ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ حمایت کنیم» و «پایدار باد صلح جهانی» تزیین شده بود. در بیرون سالن نمایشگاهی از صحنه‌های دردناک جنگ برپاگشته بود که مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

در این مراسم نماینده حزب کمونیست آمریکا در دالاس تگزاس سخنرانی نمود. وی در سخنان خود خواهان پایان دادن به جنگ بیپرده ایران عراق گردید.

در تاریخ ۲۰ شهریور، «کمیته مشترک و موقت صلح درخاورمیانه»، متشکل از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هواداران حزب توده ایران، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و شورای صلح دالاس در اعتراض به ادامه جنگ ویرانگر ایران و عراق برنامه‌ای در دانشگاه آرلینگتون تگزاس برگزار کرد. در این برنامه جمعی از هم‌میهنان ما و خارجیان دموکرات شرکت کردند. سالن محل برگزاری مراسم با تصویر از یک کبوتر سفید به نشانه



کاریکاتور از یک طراح پیشرو عراقی

یونان

تمجید قرار می‌دادند.

علاوه بر این، فدائیان خلق با توزیع هزاران تراکت حاوی آمار خسارات ناشی از جنگ به زبان یونانی و نصب صدها تراکت به زبان فارسی در سطح شهر و نیز پخش اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بهمناسبت سالگرد جنگ بردامنه افشاکری علیه رژیم فنگین جمهوری اسلامی افزودند.

کلیشه یکی از تراکتهایی راکه از سوی فدائیان خلق ایران (اکثریت) در یونان در میان مردم توزیع شد در همین صفحه مشاهده می‌کنید.

بهمناسبت سالگرد جنگ ایران و عراق، روز اول مهرماه، در مرکز شهر آتن نمایشگاه عکسی دایر گردید. در این نمایشگاه که به کوشش هواداران سازمان در یونان، برپا شد، میز کتاب و نشریات سازمان نیز به چشم می‌خورد. از این نمایشگاه عده زیادی از اهالی آتن و تعدادی از ایرانیان مقیم این شهر بازدید کردند. یونانیان بازدیدکننده همبستگی خویش را با مبارزات خلق‌های رنج‌دیده ایران برای دستیابی به صلح و آزادی ایران نموده و قهرمانی انقلابیون میهن‌مارا مورد

Ο ΧΟΜΕΪΝΙ ΣΤΟΧΕΥΕΙ ΣΕ ΕΝΑ ΙΡΑΝ ΚΑΤΕΣΤΡΑΜΜΕΝΟ



ΜΕΧΡΙ ΣΗΜΕΡΑ έχουν ελεγχθεί 51 πόλεις και 3091 χωριά.
Έχει παραλάβει η οικονομία των 6 πιο σημαντικών νομών και έχει καταρθεί η λειτουργία των περισσότερων μονάδων πρωταρχούς παραγωγής.

Έως το τέλος του 1984, οι πόλεις ζυγές που είχε υποστεί η χώρα υφαισίζονται σε πάνω από 200 διακατομήρια θάλασσα.

ΖΗΤΩ Η ΕΙΡΗΝΗ - ΖΗΤΩ Η ΕΛΕΥΘΕΡΙΑ - ΘΑΝΑΤΟΣ ΣΤΟ ΧΟΜΕΪΝΙ

ΟΡΓΑΝΩΣΗ ΠΕΝΤΑΓΙΝ ΤΟΥ ΙΡΑΝΙΚΟΥ ΛΑΟΥ (Πάισαφία)

23 Σεπέμβρη η 7η επέτειος του καταστροφικού πολέμου ΙΡΑΝ - ΙΡΑΚ

اسپانیا

در تاریخ ۲۹ شهریور به دعوت "کمیته اسپانیایی صلح میان ایران و عراق" گردهمایی با شکوهی در یکی از مشهورترین مراکز فرهنگی مادرید برای اعتراض علیه ادامه جنگ ایران و عراق برگزار شد.

کمیته نامبرده که با تلاش فداییان خلق و با شرکت جمعی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مردمی و انقلابی اسپانیا برای سازمان دادن اعتراضات مردم اسپانیا علیه جنگ ایران و عراق و بخاطر استقرار صلح تشکیل شده است، موفق شد در مقدماتی سالروز شروع جنگ با طرح گسترده موضوع در مطبوعات، رادیو و تلویزیون اسپانیا به افشای جنایات مرتجعین حاکم بر ایران و عراق پرداخته افکار عمومی را پیش از پیش متوجه جنگ ویرانگر دو کشور کند.

مراسم گردهمایی ۲۹ شهریور با سخنرانی "کارلوس پاریس" چهره سرشناس ادبیات انقلابی اسپانیا آغاز شد. وی یافشاری جمهوری اسلامی در ادامه جنگ را محکوم کرد. دومین سخنران، بیسنته جامرو دادستان دیوانعالی اسپانیا بود که گفت دولت‌های امپریالیستی و رسانه‌های خبری وابسته بدانها سیاست سکوت در قبال جنگ را ادامه می‌دهند. باید سکوت را شکست ... این جنگ باید خاتمه یابد.

دیگر سخنران مراسم، مارکوس گونا، چهره برجسته جنبش کمونیستی

اسپانیا و مسئول بخش همبستگی بین‌المللی حزب کمونیست اسپانیا، در سخنان خود گفت: "ما وظیفه خود می‌دانیم برای پاسداری از صلح جهانی، برای پایان دادن به کشتار خلق‌های ایران و عراق و برای یاری رساندن به مبارزین راه صلح در ایران و عراق از هیچ گونه تلاشی فروگذار نکنیم."

در بخش‌های دیگر این مراسم پیام‌های حزب کمونیست اسپانیا، کمیسیون کارگری اسپانیا (بزرگترین تشکل کارگری کشور)، اتحادیه عمومی کارگران، سازمان طرفداران حقوق بشر در اسپانیا و اتحادیه کشوری



"مارکوس گونا" نماینده حزب کمونیست اسپانیا در حین سخنرانی در گردهمایی صلح. وی با ۲۳ سال سابقه زندان در رژیم فرانکو، چهره‌ای نامدار در کشورهای اسپانیایی‌زبان است. نثر ست چپ و وئیدی خوان "شاعر انقلابی آرژانتین و مجری برنامه گردهمایی صلح"

سازمانهای صلح دوست اسپانیا قرائت کردند. در همه این پیام‌ها که سرشار از همبستگی عمیق با مبارزات صلح‌دوستانه مردم ایران و عراق می‌باشند، بر ضرورت فوری پایان دادن به جنگ تأکید شده است.

گردهمایی مزبور با قرائت قطعنامه‌ای پایان یافت. در این قطعنامه بر خواستهای زیر تأکید شده است:

- ۱- قطع بی‌درنگ بمباران مناطق غیرنظامی در هر دو کشور.
- ۲- اعلام آتش‌بس و حل اختلافات از طریق مذاکره.
- ۳- پایان دادن به کشتار خلق کرد در مرز دو کشور.

هم‌زمان با برگزاری گردهمایی صلح، تلویزیون سراسری اسپانیا به‌پخش مصاحبه‌ای با یکی از هواداران سازمان در اسپانیا و یک مبارز عراقی پرداخت. شرکت کنندگان در این مصاحبه به افشاکاری علیه سیاست‌های جنایتکارانه رژیم‌های خمینی و صدام و نقش امپریالیسم در قبال جنگ پرداختند. همچنین چند روزنامه معتبر کشور مقالاتی درباره جنگ چاپ کردند.

از جمله "ال پائیس" پرتیواژترین روزنامه اسپانیا به درج سه مقاله پیرامون جنگ خائمانسوز ایران و عراق و پیامدهای رنج‌بار ناشی از آن و نیز پیکار نیروهای دمکرات و انقلابی ایران در راستای دستیابی به صلح، آزادی و برپایی یک رژیم دمکراتیک در کشور، مبادرت نمود.

ای پرندۀ بهار وی آید

بامجموم کلاغهای سیاه
بباغ میهن تهنی ز مرغان شد
بادبازین شعله ز دهر شاخ
شاخسپاران سبز، عربیان شد.

بامجموم سیاه بادستم
فرچی از آشیانه کوچیدند
فوج دیگری به دام افتادند
خون پره‌های خورشید نوشیدند

خون مند ما پرنده دیگری
داغ سرخی به قلب گلشن شد
بباغ و افشک افتخاری، گشت
فیش خاری به چشم دشمن شد

فوج دیگری به سان تقنوسان
اژدهاران، ترافه می خوانند
ز آتش بال خورشیدشان، شهبها
تیره گئی را از شهر می رانند

در دل خلق، این شهابوزان
می فشانند بر نوشادی
بدر عسبان و بذر بیداری
بدر صبح سپید آزادی

عاقبتش بر دم ز خاک وطن
شانتسار ببلند صبح سپید
فدویهار ز خون گرفته نشان
یادگار سترگ خون سپید

ای مهاجر پرنده عاشق
فصل بهار آن نه دیر می یابد
بسر ایان خویش می بینی
ای پرنده، بهار می آید

ای اسیر نفس‌های پولادین
در دلش شوق گرم پرواز است
می دره میله‌های زود است
پرو پالنت زبند خواهد بست

آن زمان، آن خسته بنگاه
خلق، می کند تور آگلپوش
می شهد لب به زخم خونینت
بر زخمت بازمی کند آغوش

آه و آن آشیان که خالی ماند
اژدهای پزیرش را امید
دو بهار آن بر دمیده ز خون
جاودان باد، یادگار شهید.

۶۵/۴/۲۰ م - کاور

بزرگداشت یاد قربانیان اردوگاه "اشتوکن بروک"

آلمان فدرال :

هفته صلح در دورتموند

از تاریخ ۲۹ سپتامبر تا ۳ اکتبر، مراسم هفته صلح در شهر دورتموند برگزار گردید. بدین مناسبت شورای صلح دورتموند به برپایی چادر صلح در شهر مبادرت ورزید. در این مراسم فدائیان خلق فعالانه شرکت کردند. در نخستین روز هفته صلح یک فدایی خلق به سخنرانی پیرامون جنگ ایران و عراق پرداخت. در روز اول اکتبر نیز یک زن فدایی سخنانی درباره وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایراد نمود.

فدائیان خلق همچنین با گذاشتن میز کتاب، نشریات و اعلامیه‌های سازمان به افشای رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی پرداخته با شرکت کنندگان در مراسم از نبرد نیروهای صلح و ترقی علیه نیروهای جنگ و ارتجاع در ایران سخن گفتند.

را مبارزین ضدفاشیست کشورهای لهستان، فرانسه، یوگسلاوی و ایتالیا تشکیل می‌دهند.

فدائیان خلق در آلمان فدرال همچون سال گذشته ضمن حضور در مراسم، حلقه گل یادبودی را به نشانه بزرگداشت آماج‌های انسانی به خاک افتادگان اردوگاه "اشتوکن بروک" بر مزار آن هائیدادند.



هفته ساله، از طرف نیروهای مترقی و صلح دوست مراسمی به یادبود ۶۵ هزار تن از اسیرانی که در اردوگاه "اشتوکن بروک" واقع در ۲۰ کیلومتری شهر بیلفلد آلمان فدرال، توسط فاشیست‌های هیتلری به خاک افکنده شدند، برگزار می‌شود. اکثریت قربانیان این اردوگاه را سربازان ارتش سرخ و بخش دیگری

فصلی از کتاب : حزب همانگونه که هست

وحدت و مبانی آن

نوشته : آوار و کونیهال دبیر کل حزب کمونیست پرتغال

یکی از عوامل تعیین کننده نیروی سازمانی، نفوذ و کارایی حزب در پیچ توده ها، وحدت درون حزبی است.

اگر بطور خلاصه تعریف کنیم، در وحدت حزب سه نکته اساسی را می شود تمیز داد، پذیرش برنامه و مشی سیاسی حزب، رعایت اصول و موازین سازمانی، کار فعالانه در جهت اجرای تصمیمات اتخاذ شده.

این سه عامل اساسی وحدت چنین حزب بزرگی - به لحاظ تعداد اعضا و سازمان ها - چون حزب ما، دیگر به خودی خود گواه آشکار استحکام سیاسی، ایده ای و سازمانی صفوف حزب هستند که به نوبه خود امکان می دهد امکانات فراوانی برای تاثیر حزب بر سرنوشت کشور قائل باشیم.

در حزب کمونیست پرتغال جریان های ایدئولوژیک، پلاتفرم و گروه بندی های رودروری یکدیگر و رهبرانی که میان خود خصومت بورژند وجود ندارد.

سازمان های حزبی و اعضای حزب، برنامه آن را می پذیرند و منطق با مشی تعیین شده عمل می کنند. لیکن برای برخی ناظران تعجب آور بنظر می رسد که وحدت حزب ما طی سال های متمادی بی خدشه حفظ می شود و حتی در پرتغول ترین شرایط حیات سیاسی کشوری تزلزل باقی می ماند.

اما اگر به اوضاع کشور، تنها پس از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ بتکریم چه خواهیم دید؟

وظایف جدید و پرتغولی در برابر حزب قد علم کرده بود. روند انقلاب پرتغال با ناموزونی جریان داشت و به حزب تحمیل می کرد که هر بار پدیده های جدید را تبیین کند، برای بار دیگر اوضاع را تحلیل کند و تصمیمات مهمی اتخاذ نماید. طی ۱۱ سال پس از ۲۵ آوریل، برای دمکراسی و برای حزب موقعیت های فوق العاده خطرناکی پیش آمد.

بعلاوه در شرایط این روند پرتغول، آن زمان که در تمامی احزاب دیگر درگیری، انشعاب، پرتغولی و از هم پاشیدگی درونی روی می داد، در حزب کمونیست پرتغال وحدت مطلق محفوظ می ماند. وحدت در کمیته مرکزی، وحدت در تمامی ارگان های رهبری، وحدت رهبری با سازمان های حزبی پایینی. وحدت تمام حزب.

این وحدت اعجاب آفرین دیگر به خودی خود گواه آنچنان روشنی از برتری حزب کمونیست پرتغال بر سایر احزاب است که تبلیغات ضد کمونیستی با تلاش برای جلوگیری از پذیرش این کیفیت و الای حزب کمونیست پرتغال و ارزش گذاری شایسته نسبت به آن، به بخش اطلاعات ناصحیح روی می آوردند و ضمن آن از دو شیوه متضاد استفاده می کنند.

از یک سو می کوشند خود واقعیت وجود وحدت حزب را نفی کنند و در این راستا موارد مختلف بی اهمیت و غیر تمیزیک که در حزب یافته می شود، دقیقاً از زیر خاک بیرون کشیده می شوند، جان می گیرند و تا حد خنده آوری دامن زده می شوند و یا

حتی عمداً به سادگی، درگیری ها و انشعاباتی در ذهن می پروراندند که گویا در حزب کمونیست پرتغال روی می دهد.

از سوی دیگر این تبلیغات برخلاف همین اراچیف ساخته و پیرداخته خود، اعتراف می کند که در حزب کمونیست پرتغال وحدت مستحکم وجود دارد اما می کوشد این وحدت را با وجود انضباط کورکورانه، سخت و بلامنافذ در حزب و با بدیهی است، با فئاتیسم کوراعضای حزب توضیح دهد.

باری، از یک سو تبلیغات ضد کمونیستی از پذیرفتن حقایق آشکار سرباز می زند و از سوی دیگر مایل نیست کسی از این حقایق اطلاع حاصل کند.

اما حتی کسی که یک ذره فکر می کند و یک ناظر جدی، ناگزیر تصدیق می کند که وحدت درونی حزب کمونیست پرتغال موجد نیروی عظیم و اهمیتی است که نه با کمک اتهام می توان آن را پوشاند و نه به وسیله شیوه های مبتذل و ناهنجار می توان آن را قلب کرد.

وحدت پایدار حزب کمونیست پرتغال تنها ناراضایی و سیل اخبار تحریف شده بهار نمی آورد. این وحدت توجه دقیق و علاقه احزاب کمونیست و نیروهای مترقی را جلب می کند.

تجربه حزب کمونیست پرتغال در امر تامین وحدت صفوف خود موضوعی است که درخور مطالعه ای موشکافانه است. اغلب سوال می شود، چگونه حزب کمونیست پرتغال توانست به چنین وحدت اعجاب آفرینی دست یابد؟ برخی سوال می کنند، حزب برای تامین وحدت چه تصمیمات و تدابیری اتخاذ می کند، حزب کمونیست پرتغال چگونه به موافقت اعضای خود با اهداف و مشی سیاسی حزب، به رعایت اصول و موازین سازمانی از جانب آنان و به کار فعال آنان در جهت اجرای تصمیمات اتخاذ شده دست می یابد؟

پاسخ روشن است: وحدت حزب کمونیست پرتغال نتیجه فلان اقدامات ویژه ای که متوجه نامین وحدت باشد نیست، بلکه ناشی از کلیت مشی حزب و فعالیت عملی آن است.

مبانی وحدت

وحدت حزب کمونیست پرتغال که از خود سرشت حزب و تمامی فعالیت آن ناشی می شود، از عوامل گوناگون بسیاری که متقابلاً مکمل یکدیگر هستند تشکیل می شود.

اساس وحدت حزب، تحلیل صحیح موقعیت و دقیق بودن اهداف تعیین شده و مشی سیاسی است. صحت ارزیابی حزب از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، تعریف دقیق مرحله انقلاب و آماج های آن، تحلیل تناسب نیروهای طبقاتی، سرشت حقیقی و اهداف سیاست دولت هایی که یکی پس از دیگری روی کار آمده اند و جوانب اصلی وضعیت کشور را خود زندگی تایید کرده است.

دقت مشی سیاسی، که زندگی آن را تایید می کند، جایی برای اختلاف نظرها، گرایش ها و

جریان هایی که بتوانند وحدت حزب را نقض کنند، باقی نمی گذارد.

وحدت سیاسی مقدم ترین رکن وحدت حزب است.

متمرکز کردن توش و توان پیرامون جامعه عمل پوشاندن مشی سیاسی حزب و فعالیت عملی، یعنی، پیرامون مبارزه طبقه کارگر و توده های خلق، بنیاد وحدت را تشکیل می دهد.

طی سال های متمادی، مبارزه برای دفاع از منافع مشخص خلق و کشور همچنان جوهر حیات حزب باقی مانده است. کمونیست بودن در شرایط پرتغال یعنی مبارزه طبقه و توده ها بودن، آن هم نه در حرف، بلکه در فعالیت روزمره.

این که خود زندگی ضرورت وجود حزب و اهمیت مبارزه کمونیستها در دفاع از منافع خلق و میهن را تایید می کند جایی برای آن که حزب در لاک خود فرورود باقی نمی گذارد و موجبات تحکیم آگاهی کمونیستها و انسجام صفوف حزب را فراهم آورده، به اقدامات مشترک ترغیب می کند.

فعالیت کمونیستها در پیوند تنگ با طبقه و توده ها، دومین رکن وحدت حزب است.

موازین سازمانی و اصول فعالیت که امکان می دهند شرکت هر عضو حزب در تحلیف سیاست و کار عملی حزب را آگاهانه ساخت پایه وحدت را تشکیل می دهد.

پیوند نزدیک رهبری با سازمان های حزبی پایینی و پشتیبانی آنان از خط رهبری، دمکراسی درون حزبی، احترام به عقاید اعضای حزب و ارزیابی واقعی از فعالیت آنها، سیاست عینی و عادلانه در مورد کادرها ضمن ارزش گذاری شایسته به خدمات ساختمان سازمانی حزب و تکامل بخشی به کار سازمانی همه و همه حزب را استحکام می بخشد و آن را به اهرم نیرومند اقدامات سیاسی تبدیل می کند.

خود زندگی تایید می کند که موازین تعریف شده و به تصویب رسیده سازمانی که در کار عملی بکار گرفته می شود، امکان جدی شرکت در حیات کشور را فراهم می آورد و این امر آگاهی و تلاش دسته جمعی در عرصه سازماندهی را استحکام می بخشد.

انسجام سازمانی سومین رکن وحدت حزب است.

کار دسته جمعی و نظریه حزب به مثابه کلکتیو بزرگ حزبی، بنیاد وحدت را تشکیل می دهد.

این امر دستاورد سترک حزب ما، حاصل تجربه اندوخته شده و خصوصیت ویژه و مهم فعالیت حزبی و سبک کار است.

در کار دسته جمعی فعالیت تلوریک و سیاسی پیوند می خورد، احساس مسئولیت هر فرد در مجموع تمام کلکتیو تعمیم می یابد، فضای احترام به همه و هر کس در امر مشترک بوجود می آید و کار دسته جمعی اعضای حزب را در دستیابی به هدف واحد و در اقدامات مشترک متحد می کند.

وحدت و مبنای آن

این که خود زندگی اهمیت مترک کار دسته‌جمعی را اثبات می‌کند، خصلت خللاق و شربخشی این کار و نقش سرمشق الهام بخشی که کار دسته‌جمعی برای کار فردی ایفای کند مانع پیدایش درگیری‌ها و انشعابات می‌شود و همین به خودی خود تثبیت نیرومند وحدت است.

کار دسته‌جمعی و تبدیل شدن مفهوم کار دسته‌جمعی به خصوصیت خود ویژه سبک کار حزب کمونیست پرتغال چهارمین رکن وحدت حزب است.

مطالعه و فراگیری ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بنیاد وحدت را تشکیل می‌دهد.
تنها ادعای شفا "وفاداری" به مارکسیسم - لنینیسم حزب را متحد نمی‌کند. این مدعاها چیزی بیش از بیانیات نیست.

دستیابی به مبنای تئوری که تحلیل صحیح موقعیت و پدیده‌های جدید و تنظیم مشی صحیح طبقاتی را میسر می‌سازد حزب را متحد می‌کند.

مطالعه و فراگیری مارکسیسم - لنینیسم، نظریات بنیادین طبقاتی را عمق و استحکام می‌بخشد، اعضای حزب را با معیارها و متدهایی که با استفاده از آن می‌توان رویدادها و پدیده‌ها را به درستی بررسی کرد تجهیز می‌کند و آن‌ها را به درک واحد و مشترکی از واقعیت و دریافت پاسخ‌های صحیح به مسائلی که این واقعیت طرح می‌کند می‌رساند.

تأیید خصلت عملی مارکسیسم - لنینیسم در زندگی و فعالیت روزمره، تأثیر فاسد کننده ایدئولوژی بورژوازی را کاهش می‌دهد.

مارکسیسم - لنینیسم، پنجمین رکن وحدت حزب است.

بدین ترتیب همه جوانب فعالیت حزب به امر وحدت حزب مساعدت می‌کند. هرگونه اشتباه یا عدم دقت در مشی سیاسی، در فعالیت سازمانی، در سبک کار و در کار ایدئولوژیک، بلاواسطه به وحدت لطمه می‌زند و آن را تضعیف می‌کند.
وحدت حزب نتیجه فلان تصمیمات و تدابیر ویژه نبوده، بلکه از کلیت خط مشی و همه فعالیت عملی حزب نشأت می‌گیرد.

وحدت رهبری

در امر تأمین وحدت حزب، مسأله وحدت رهبری درخور توجه خاصی است.

واقعا، وحدت رهبری طی سال‌های متمادی رکن با اهمیت وحدت تمام حزب بوده و همی تعیین کننده در آن ادای می‌نماید.

وحدت رهبری به این معنا نیست و نمی‌تواند هم به این معنا باشد که بین رهبران درک کامل و بی‌شکل، سازگاری و گروهرگاری، یا غیرقابل جانسین شدن گروه یا "طایفه" رهبری وجود داشته باشد.

وحدت رهبری به این معنا نیست و نباید هم به این معنا باشد که هنگام بررسی فلان مسأله نتواند نظرات گوناگون پیدا شود و مباحثه و گفت و شنود تحمل‌ناپذیر باشد. وحدت رهبری به معنای آن است که رهبری به نتیجه نهایی می‌رسد و تصمیم دسته‌جمعی را با با اتفاق آراء یا با رضایت همه، یا با توافق و یا با اکثریت به تصویب می‌رساند و درست همین تصمیم رهبری، و نه نظرات جداگانه اعضای رهبری است که

در معرض اطلاع حزب قرار می‌گیرد.

اعضای حزب چه در ارکان‌های رهبری و چه در هریک از سازمان‌های حزبی حزب کمونیست پرتغال، از آزادی کامل در دفاع از نقطه نظر خود برخوردارند و خوب است که از آن دفاع می‌کنند. اما آنها اگر با مشی و تصمیماتی که حزب اتخاذ کرده است موافق نیستند، نباید در خارج از حزب از موضع شخصی خود حرکت کنند.

برای ارتقا شربخشی کار و تأمین وحدت خود رهبری بسیار ضروری است که مذاکرات در رهبری پیرامون اختلاف نظرهای موجود پیش از آن که ضرورت می‌طلبید به درازا نکشد. باید تا آنجا بحث کرد که مسأله روشن شود. اما نباید مباحثات را به یلمیک بی‌پایان تبدیل کرد. به همین ترتیب زمان، توجه و انرژی رهبری را هم نباید صرف روشن کردن اختلاف نظرهای میان اعضای آن (رهبری - م) نمود. اگر چنین روندی جریان یابد رهبری از انجام وظایف خود باز می‌ماند و تمام فعالیت حزب به خطر می‌افتد.

مقدم ترین وظیفه رهبری در حزب محافظت وحدت درون حزبی است. اما به این منظور باید وحدت خود رهبری را تأمین کرد.

تجربه بین‌المللی با تمام وضوح گواه آن است که اگر رهبری به جای آن که سرمشق وحدت باشد در برابر اعضای حزب غرق درگیری‌های حاد جلوه گر شود و یا (از آن هم بدتر) سرگرم رقابت شخصی و جروب‌بحث گردد، این اوضاع قطعاً به انشعاب خواهد انجامید.

البنه در موقعیت معینی ممکن است ضرورت آن پیش بیاید که مسائل مربوط به مشی سیاسی که پیرامون آن نثرات گوناگونی وجود دارد در تمام حزب به بحث گذاشته شود.

به علاوه، پیشبرد مباحثات در شکل دموکراتیک، که اعضای حزب در جریان آن نقطه نظرات خود را طرح می‌کنند و در تدوین نهایی خط مشی حزب سهیم می‌شوند یک چیز، و در معرض دید همه حزب و حتی همه محافل اجتماعی قرار دادن عقاید متضاد، مناقشات و اختلاف نظرهایی که خصلت شخصی دارند چیز دیگری است. این نمونه‌ها هیچ وجه مشترکی با دموکراسی درون حزبی ندارد و صرفاً سزاوار تاسف و انعکاس بی‌کفایتی رهبران و بی‌اعتنایی آنان به منافع عالی حزب است.

کار رهبری بسته به آن که چگونه باشد و چقدر ارزش داشته باشد می‌تواند سزاوار ارج کلاری باشد یا نباشد. اما در مورد این کار می‌توان بر اساس سمرشقی هم که اراده می‌دهد قضاوت کرد.

همان طور که نمونه‌های خوب سمرشقی رفتار شایسته هستند، نمونه‌های بد هم کراپشات و اعمال منفی را موجب می‌شوند و آن‌ها را رشد می‌دهند.

به همان نسبت که وحدت رهبری عامل نیرومند وحدت درون حزبی است، به همان نسبت هم انشعاب در رهبری بطور اجتناب‌ناپذیر به انشعاب در حزب می‌انجامد.

دین رهبری حزب در آن است که نه نمونه‌های بد، که نمونه‌های خوب به حزب ارائه دهد. و یکی از ارزنده‌ترین نمونه‌هایی که از اهمیت تربیتی برخوردار است و رهبری می‌تواند ارائه دهد، همان وحدت رهبری است.

در حزب کمونیست پرتغال از دیر باز چنین نمونه‌ای ارائه می‌شود.

موازن سازمانی تأمین وحدت

اساسنامه حزب حاوی اصول و موازینی است (در ارتباط با انضباط و ممنوعیت فراکسیون) که یکی از اهداف آن‌ها تأمین وحدت رهبری حزب است.

مقصود از انضباط، تعهد همه اعضای حزب است نسبت به عمل کردن در انطباق با خط مشی حزب و انجام تصمیمات و فرامین آن، ضمن آن که نقض کننده انضباط تنبیه می‌شود.

ممنوعیت فراکسیون، هرگونه تلاش برای ایجاد گروه‌بندی‌های درون حزبی بر پایه پلاتفرم، اختلاف نظر و نیز بر پایه پشتیبانی از این یا آن کادر حزبی و عقیده او را بطور واقعی منع می‌کند.

صحبت بر سر احکام و موازین مهم اساسنامه‌ای است. کسی که تصمیم می‌گیرد عضو حزب کمونیست پرتغال شود متعهد می‌شود این اصول و موازین را اجرا کند. این امر به معنای آن است که برای حزب کمونیست پرتغال قابل قبول نیست که اعضای آن در خارج از حزب، از خط مشی متضاد با خط مشی حزب دفاع نمایند، تصمیم بگیرند که کدام قرارها را اجرا کنند و کدام‌ها را نه، و در درون حزب گروه‌بندی‌های با مشی خاص خود ایجاد کنند و درون حزب به مثابه گروه‌های سازمانی که بر علیه خط مشی حزب و تصمیمات اتخاذ شده مبارزه می‌کنند عمل نمایند.

بدون تردید این اصول و موازین راه اقدامات و اعمال احتمالی را که می‌تواند به وحدت حزب خدشه وارد آورد سد می‌نماید. لیکن کاملاً نادرست است اگر فکر کنیم که وحدت عمدتاً حاصل وجود انضباط و رعایت آن و نیز ناشی از ترس از مجازات به‌خاطر ایجاد فراکسیون و فعالیت فراکسیونی است.

زمانی که دعوت به رعایت انضباط و منع فراکسیون ضروری می‌شود، وحدت دیگر نقض شده و یا تحت مخاطره قرار گرفته است.

بدین جهت تنها در موارد بسیار حاد و استثنایی که بوسیله وضعیتی که پیش آمده است معین می‌شود می‌توان وحدت را از طریق دعوت صریح به انضباط و از طریق اقدامات صریح علیه فعالیت فراکسیونی و کاربرد مجازات‌های انضباطی تأمین نمود.

خود مفهوم انضباط در معنای حقیقی خود، به لحاظ محتوا بسیار بسیار غنی‌تر از آن تعریفی است که صرفاً به مثابه تکلیف رعایت انضباط از آن ارائه می‌شود.

رعایت انضباط (همانطور که محکوم دانستن هر جریان فراکسیونی هم) تکلیفی نیست که در صورت عدم اجرای آن - خطر مجازات دربرداشته باشد. برعکس انضباط به بخشی از عادات، قضاوت‌ها و آگاهی غیر قابل تفکیک از تفکر و تربیت کمونیستی تبدیل می‌شود.

وحدت حزب و سرشت و نیروی این وحدت همانطور که در بالا گفته شد از انضباط و ممنوعیت حرکت فراکسیونی ریشه نمی‌گیرد، بلکه ناشی از همان علل گوناگون بسیار عمیق‌تری است که حاصل تمامی جوانب فعالیت حزبی است.

نشان استحکام وحدت حزب کمونیست پرتغال این حقیقت است که اصول اساسنامه‌ای عملاً هیچگاه برای تأمین وحدت بکار گرفته نمی‌شود.

غلبه بردشواریها در دستیابی به وحدت درونی حزب

وحدت درون حزبی استوار حزب کمونیست پرتغال واقعیت ازلی ابدی نیست، بلکه شکل حیات حزب است که پیدایش، شکل گیری و تکمیل شدن آن طی دهها سال فعالیت این حزب متحقق شده است. وحدت حزب کمونیست پرتغال حاصل تجربه چندین ساله ای است که از درس های فوق العاده مهمی که از زندگی بدست آمده است تشکیل می شود.

حزب دریافته است که چه بهای سنگینی باید بخاطر درگیری های درون حزبی و انشعابات پرداخت. حزب آموخته است که علل درگیری ها و انشعاب ها را باز شناسد. آموخته است که چگونه اشتباهات سیاسی، تصمیمات سازمانی نادرست، قرارهای غیر قابل کنترل فردی و برخورد ناروا با مسائل کادرها، محیط درگیری، مناقشه و انشعاب آفرینی ایجاد می کند.

حزب اهمیت وحدت را چشیده و باز شناخته و راه ها و شیوه های غلبه بر دشواری های درون حزبی و تحکیم وحدت در تمامی جوانب آن را دریافته و کشف کرده است.

دشواری های دستیابی به وحدت حزب در برخی موارد به چاپچایی، فرار، اخراج، دسته بندی و انشعاب منجر شده است. در موارد دیگر، این امر در درگیری های درون حزبی بازتاب یافته که در رفع آن ها از طریق مباحثه و اتخاذ تصمیم برپایه دموکراسی درون حزبی توفیق حاصل گردیده است. چه در این و چه در آن موارد، نهایتاً وحدت حزب تامین گشته است.

در تاریخ حزب باید از پنج موقعیت جدی یاد کرد

اولین مورد در سال های ۲۰ و در ارتباط با درگیری، حاصله بین گروه بندی کارلوس رانس و ژوزه دساوز پدید آمد. درگیری به شیوه اداری و به سود رانس (که به زودی حزب را لوداد) حل شد. علیه مخالفین مجازات هایی وضع شد که سازماندهی کار حزب در شرایط کار مخفی را کند می کرد.

دومین مورد در دوره تجدید سازماندهی حزب در سال های ۱۹۴۱-۱۹۴۰ روی داد. در آن زمان به موازات تجدید سازماندهی حزب کمونیست پرتغال، گروهی آغاز به فعالیت کرد که خود را "حزب کمونیست پرتغال" می نامید. این وضعیت منجر به اخراج و با بیرون رفتن شماری از رفقا از حزب گردید. طی دو سال تا از بین رفتن به اصطلاح "گروه بندی توطئه گر"، کار حزب در بخش های مختلف مختل بود.

چنین وضعیتی برای بار سوم در نتیجه اختلاف نظرهایی که بین رفقای اسیر در بازداشتگاه "تارافال" پدید آمده بود، شکل گرفت. این وضعیت به بوجود آمدن گروهی منجر شد که اعضای سرشناس حزب که در سال های ۱۹۴۶-۱۹۴۵ در مقابل خط مشی حزب - مصوب کنگره سوم حزب کمونیست پرتغال در سال ۱۹۴۲ - پلانتفرم "سیاست بینابینی" را طرح می کردند به آن پیوستند. این بحران در جریان مباحثه درون حزبی مرتفع گردید. کنگره چهارم حزب کمونیست پرتغال که در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد پایان این ماجرا بود. شخصیت های سرشناس حزب که از

"سیاست بینابینی" دفاع کرده بودند برای ترکیب کمیته مرکزی پیشنهاد و انتخاب شدند و بعد از مدتی، از مواضع پیشین خود انتقاد کردند و این انتقاد از خود در صفحات مطبوعات حزبی منعکس شد.

چهارمین باری که حزب چنین وضعیتی را از سر گذراند در سال های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ و در ارتباط با انحراف راست ("حل مسالمت آمیز معضل سیاسی پرتغال") و گرایش آنارشیستی - لیبرالی در کنار رهبری بود. این وضعیت مباحثه وسیع، رادریز به دنبال داشت که به آنجا انجامید که انحراف راست مغلوب شد و مشی انقلابی حزب در کنگره ششم تکامل بیشتری یافت و در برنامه حزب که در این کنگره به تصویب رسید تثبیت گردید. فائو آمدن بر این بحران به مدد تلاش های دسته جمعی کادرهای حرفه ای مسئول حزب عملی شد، اگر چه آنها نیز در مواضع مختلفی قرار داشتند.

در سال های ۱۹۶۴-۱۹۶۲ برای بار پنجم چنین وضعیتی در حزب بوجود آمد و برخی اعضا برای تشکیل گروه های مائوئیستی از صفوف حزب بیرون رفتند. از این رویدادها و موقعیت ها و از نکات مثبت و منفی آن درس های فوق العاده مهمی در ارتباط با وحدت حزب بدست آمد.

از درس ها و اشتباهات ناشی از نارسائی ها و معیارهای نادرست برمی آید که نباید در محکوم کردن و اتخاذ تدابیر انضباطی بدون دلایل جدی و بدون پیشبرد تحلیل عینی و بی طرفانه عجله کرد؛ نباید گذشت تفاوت عقاید و اختلاف نظر ماهه ساله کادرها و به درگیری های شخصی تبدیل شود؛ نباید از روش های فردی و خودسرانه رهبری و اتخاذ تصمیم، بویژه در رابطه با مسائل بحث انگیز و هنگام ارزیابی کادرها، استفاده کرد؛ باید مانع آن شد که ایده ها پرسونالیزه شوند (در چهره افراد تشخص پیدا کنند - م)؛ ارزیابی کلی از فلان کادر حرفه ای حزب را نباید تنها بر پایه نظر اتش که اشتباه شمرده می شود انجام داد؛ پس از پایان مباحثات و تصمیم گیری جمعی نباید از "برنده ها" و "بازنده ها" صحبت کرد؛ نباید (به استثنای موارد خاص) به اصطلاح "یک دست شدن" سازمان های حزبی را ملاک قرار داد، یعنی رفقای مخالف را اخراج کرد و دیگر رفقای را که در نظری که سرانجام به تصویب رسیده است سهیم هستند جذب کرد.

از میان درس های مربوط به معیارها و شیوه هایی که صحیح و معلم آن کار در آمده اند باید به درس های زیر اشاره کرد: باید کلکتیو را چنان تربیت کرد که همه اعضای آن حاضر باشند حداقل اکثر نیروی خود را وقف تامین وحدت حزب نمایند؛ باید با پیگیری و شکیبائی به کار توضیح گرانه پرداخت و در جهت عقب بخشیدن به تجزیه و تحلیل و بحث پیرامون وضعیت پدید آمده تلاش کرد؛ باید همه مساعی ممکن را برای جلوگیری از درگیری به کار بست؛ نه به علت اختلاف نظر، بلکه در رابطه با نقض جدی اصول سازمانی باید به تدابیر انضباطی توسل جست؛ باید تفاوت آرا و اختلاف نظر را اکیدا از زاویه ایده ای و سیاسی مورد نظر قرارداد و کوشید تا آنها را از طریق پیش برد مباحثات دموکراتیک و تصمیم گیری های جمعی مرتفع ساخت. این تجربه و این درس ها به موازات دیگر تجارب حاصله از فعالیت حزب، در کار رهبری و در سیاست مربوط به کادرها به کار گرفته می شود و جزئی

از شیوه های سانترالیسم دموکراتیک و سبک کار حزب را تشکیل می دهد.

بهره گیری از این درس ها و تجارب موجبات غلبه بردشواری های پدید آمده در راه وحدت درون حزبی و تهیه و تنظیم مشی و استاهای فعالیت سیاسی حزب را فراهم آورده است و وحدت خلل ناپذیر حزب کمونیست پرتغال را مایه افتخار کمونیست های پرتغال ساخته است

وحدت، نیروی قوام دهنده حزب

وحدت یکی از مثبت ترین وجوه حیات حزب کمونیست پرتغال است.

وحدت، یکجا گرد آوردن همه توانائی ها، نیرو، انرژی و وسایل و بهره گیری از آنها برای دستیابی به هدف های تعیین شده را امکان پذیر می سازد.

وحدت درون حزبی به فعالیت کل حزب نیروی می بخشد که به مراتب فراتر از مجموعه اعمال فردی تمامی اعضای آن است، وحدت موجب صرفه جویی فوق العاده در منابع موجود و شرط ایده آل بهره گیری کامل از کارائی هاست. وحدت به خودی خود منبع انرژی و قابلیت متحقق کردن انرژی است. حزبی که اسیر درگیری های درونی و انشعاب است، بخصوص اگر در رابطه با رهبری و برخی رهبران باشد، بخش قابل توجهی از انرژی، حواس و وقت خود را صرف مباحثات و جر و بحث های خواهد کرد که گاهی از زندگی و مبارزه زحمتکش و توده های خلق بسیار فاصله دارد. در این موارد فعالیت حزب بطور اجتناب ناپذیر آنقدر تضعیف می شود که خود موجودیت حزب معنای خود را از دست می دهد.

حزب کمونیست پرتغال به تجربه خود، اگر چه در دوره های کوتاهی از تاریخ خویش، می داند که چگونه درگیری های داخلی می تواند حزب را متوجه درون خود کرده، از طبقه و توده ها بکسلاند.

دیگر چندین سال است که در حزب کمونیست پرتغال از درگیری و انشعاب (به استثنای موارد نادری در سازمانهای میانی و پایه ای) خبری نیست. این امر به حزب امکان می دهد که همیشه متوجه بیرون باشد و انرژی و توانائی های خود را وقف طبقه کارگر و توده های خلق نماید.

وحدت حزب در عین حال سرمشق الهام بخشی است برای وحدت زحمتکش و پایه ای است برای اعتبار، نفوذ و اتوریته حزب.

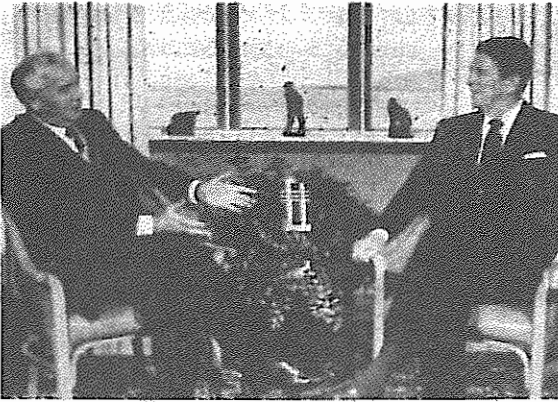
طبیعی است که وحدت حزب کمونیست پرتغال مایه شادی ارتجاع و احزاب دیگری که در آنها دشمنی اختلاف نظر، درگیری و انشعاب بالایی وجود نیست. و از آنجا که در حزب کمونیست پرتغال انشعاب نیست، ارتجاع می کوشد چنین انشعاب هایی را اختراع کند. این هم برایش چالاب نیست چرا که این خیال پردازی ها هم احتمالاً است. برای ارتجاع مهم آن است که بکوشد سیمای حزب کمونیست پرتغال را مخدوش سازد و تحریف نماید.

برخلاف این دو روگردازی ها، حقیقت آن است که رهبری حزب کلکتیوی است به سختی منسجم و نمونه ای است از وحدت عالی مداوم و خلل ناپذیر. وحدت تمام حزب به اقتضای وحدت رهبری. این امر برخلاف دیگر احزاب پرتغال نمونه ای است منحصر به فرد از استحکام و منطق سیاسی سازمانی. وحدت حزب اساس قدرت آن است.

مذاکرات ریکیاویک به نتیجه نرسید ریگان فقط "جنگ ستارگان" را می خواهد

✱ گارباچف، آمریکایی ها با دست خالی به ریکیاویک آمده بودند.
✱ تقریباً همه ناظران موضع ریگان را که باعث بی نتیجه ماندن دیدار
ریکیاویک شد، محکوم کردند

بقیه از صفحه اول



پیشنهاد های شوروی

در آستانه مذاکرات ریکیاویک که به ابتکار اتحاد شوروی انجام گرفت، رهبری شوروی کار تدارکاتی گسترده ای انجام داد تا این مذاکرات به ثمر بنشیند و آرزوی میلیاردها انسان در سراسر جهان مبنی بر آغاز خلع سلاح و کاهش خطر جنگ فاجعه بار هسته ای برآورده شود. بگونه ای که میخائیل گارباچف در سخنرانی تلویزیونی سه شنبه گذشته خود اعلام کرد، در این کار تدارکاتی، علاوه بر دفتر سیاسی و دبیران کمیته مرکزی حزب، وزارت خارجه، وزارت دفاع و سایر ارگان های مرکزی دولتی، دانشمندان، کارشناسان نظامی و متخصصان صنایع مختلف شرکت داشتند. رهبری شوروی همچنین با مشورت هایی انجام داده بود. میخائیل گارباچف و همراهانش با دستان پر به ایسند رفتند.

طرف شوروی در مذاکرات ریکیاویک، پایبندی به اصول را با بیشترین میزان انعطاف پذیری به منظور حصول توافق در زمینه مسائل حیاتی بشریت، تلقی کرد. به گفته گارباچف، موارد بسیار برجسته انعطاف در مواضع شوروی، که از احساس مسئولیت عمیق در قبال سرنوشت صلح جهانی نشأت گرفته است، حتی تعجب ریگان و شولتز را برانگیخت. نمایندگان آمریکا در دفاع و ساعات اول نمی دانستند چگونه باید از پذیرش پیشنهاد های شوروی طفره ببرند. این پیشنهادها حاوی نکات جدید زیر بود:

- اتحاد شوروی پیشنهاد کرد سلاح های استراتژیک دو طرف، اعم از موشک های قاره پیمای مستقر در خشکی، زیر دریایی های حامل تسلیحات اتمی استراتژیک و بمب افکن های دوربرد ۵۰ درصد کاهش یابند. رهبری شوروی حاضر شد تعریف قبلی سلاح های استراتژیک دیگر ملاحظه قرار نگیرد.

طبق این تعریف، همه سلاح هایی که دو طرف می توانستند با آن قلمرو دیگری را هدف قرار دهند، استراتژیک محسوب می شدند. در نتیجه موشک های آمریکایی مستقر در اروپا در این زمره قرار می گرفتند، امری که کاملاً طبیعی و منطقی بود. اما اتحاد شوروی حاضر شد برای گرفتن هرگونه بهانه از دست واشنگتن، تعریف مطلوب ریگان ملاحظه باشد، و سلاح های استراتژیک محدود به سه نوع فوق الذکر کردند.

- رهبری شوروی پذیرفت که موشک های میان برد بریتانیا و فرانسه

در محاسبه موازنه قوا در اروپا منظور نگردد. طبق پیشنهاد شوروی، موشک های پرشینگ ۲ - و کروزر آمریکا و موشک های اس - اس - ۲۰ شوروی می بایستی از خاک اروپا برچیده شوند. بدین ترتیب اتحاد شوروی با پیشنهاد چهار سال پیش ریگان موسوم به "راه حل صفر" موافقت کرد.

- میلت شوروی که می دانست آمریکا برای پیدا کردن بهانه ای به منظور باقی گذاشتن بخشی از موشک های خود در اروپا، مسئله موشک های برد کوتاه (تا ۱۰۰۰ کیلومتر) را مطرح

سیاستمداران غریبی: ریگان مقصود است

ابتکار دفاعی استراتژیک مهم تر از کنترل تسلیحات است. پروتوکل ایستیک سدراعظم اسبق اتریش در یک مصاحبه گفت: "کم کم باید از خود پرسید دولت های اروپایی تا کی حاضرند سیاست این فرد (ریگان) را بپذیرند، در حالی که جنگ محدود هسته ای قرار است در قلمرو این دولت ها صورت پذیرد."

روژنامه "نیویورک تایمز" شوش و "ریگان این موقعیت را داشت که موشک های میان برد آمریکا و شوروی را در اروپا از میان بردارد. در جهت قطع آزمایش سلاح های اتمی آن طور که خود تصور می کند حرکت نماید، طرف پنج سال زرادخانه سلاح های اتمی را به نصف تقلیل دهد. با کاهش بعدی آن موافقت کند. او به این امکان، "نه" گفت."

ویدی برانت رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال و صدر بین الملل سوسیالیست گفت: "این امکان وجود داشت که همه موشک های میان برد از اروپا برچیده شود. سلاح های استراتژیک تا نصف کاهش یابد. اما چنین امکانی به خاطر اندیشه های بوجی که با نام ابتکار دفاعی استراتژیک گره خورده است، تحقق نیافت."

ابتکار عمومی جهان با فشاری ریگان بر پروژه "جنگ ستارگان" را که مانع اصلی انعقاد موافقت نامه ای درباره کاهش تسلیحات هسته ای، در مذاکرات ریکیاویک بوده است، محکوم کردند. علاوه بر این بسیاری از شخصیت های سیاسی پر نفوذ کشورهای غربی نیز امتناع ریگان را از پذیرش پیشنهاد های اتحاد شوروی به شدت مورد انتقاد قرار دادند.

پل وارنکه، مسئول سابق هیات نمایندگان آمریکا در مذاکرات مربوط به قرارداد "سالت ۲" اظهار داشت ریگان موقعیت بکانه تاریخی برای خلع سلاح را برپا داد. وارنکه افزود "ابتکار دفاعی استراتژیک" و خلع سلاح نافی یکدیگرند، و تا وقتی ریگان در این زمینه حاضر به سازش نباشد، هر گونه تلاش برای کنترل تسلیحات بی ثمر خواهد بود.

سناتور عضو حزب دمکرات، ادوار کندی گفت: "موقعیت بؤرک و تاریخی موجود در ایسند لاقبل در حال حاضر قربانی ابتکار دفاعی استراتژیک که اطمینانی بدان نیست، شده است."

سناتور گاری مارت اظهار داشت نامعاری برای دولت آمریکا تحقق

خواهد کرد، اعلام نمود حاضر به نکه داشتن تعداد این سلاح ها در سطح فعلی و مذاکره درباره سرنوشت آنهاست.

- اتحاد شوروی موافقت کرد تعداد کلاهک های هسته ای تسلیحات میان برد در بخش آسیایی این کشور برابر با تعداد این کلاهک ها در خاک آمریکا و معادل ۱۰۰ عدد باشد.

- برای آنکه در طول ده سال، یعنی مدت انجام موارد فوق در کاهش تسلیحات، هیچ یک از دو طرف دست به تولید و استقرار سلاح های جدید و تلاش برای کسب برتری نظامی نزنند، اتحاد شوروی خواستار آن گردید قرار داد موجود میان دو کشور درباره منیع سیستم های ضد موشکی تقویت گردد و هیچ یک از طرفین نتوانند ظرف ده سال آینده از حق خروج از این قرارداد استفاده کنند. چنین توافقی، در صورت اجراء انجام پروژه "ابتکار دفاعی استراتژیک" ریگان را به درون آزمایشگاه ها محدود می کرد.

مانور های ریگان

میخائیل گارباچف در گزارشی که پیرامون مذاکرات ریکیاویک طی یک سخنرانی تلویزیونی ارائه نمود، گفت نخستین واکنش ریگان و شولتز در برابر پیشنهاد های فوق، نوعی سر درگمی بود. آنها که نمی دانستند چگونه باید پیشنهاد های شوروی را رد کنند، شروع به بهانه تراشیدن کردند. ولتی ریگان سخن از یک "راه حل میانی" برای موشک های میان برد در اروپا را پیش کشید، گارباچف خطاب به وی گفت: "ما پیشنهاد می کنیم "راه حل صفر" آمریکا در اروپا مورد قبول قرار گیرد و پشت میز مذاکره درباره موشک های میان برد در آسیا بنشینیم. اما شاه آقای رئیس جمهور، موضع قبلی خود را تغییر داده اید."

پس از طرح پیشنهاد های شوروی در نوبت اول گفتگوها، در فاصله ای

آغاز خروج نیروهای شوروی از افغانستان

شاه محمد دوست: خروج باقی مانده نیروهای شوروی مشروط به قطع جنگ اعلان نشده امپریالیسم علیه افغانستان است

باشد. وزیر خارجه افغانستان اظهار امیدواری کرد آغاز خروج تعدادی از واحدهای شوروی از افغانستان، بر مذاکرات غیرمستقیم میان افغانستان و پاکستان در ژنو نیز تاثیر مثبت بگذارد. وی گفت این مذاکرات در مرحله مهمی هستند. قرار است ششمین دور گفتگوها به زودی آغاز گردد.

خروج ۸ هزار تن از نغرات ارتش شوروی در افغانستان که تا پایان ماه اکتبر ادامه خواهد داشت، بر زمینه‌ای از پیروزی‌های نظامی ارتش افغانستان در عملیات اخیر علیه اشرار ضدانقلابی انجام می‌گیرد. در حمله پیروزمندی که علیه مواضع ضدانقلابیون در استان هرات انجام گرفت، ضربات سهمگینی بر اشرار وارد آمد، به طوری که سردهسته باند "جمعیت اسلامی" از همه ضدانقلابیون خواست در سراسر افغانستان دست به خرابکاری بزنند تا بلکه در هرات از فشار نیروهای انقلاب بر مواضع اشرار کاسته شود. همچنین منابع غربی اعتراف کردند هفته گذشته در شمال کابل اشرار شکست سنگینی متحمل شده‌اند.

در حال حاضر نیروهای اتحاد شوروی در افغانستان تنها وظایفی در زمینه دفاع از راه‌های اصلی ارتباطی و تاسیسات مهم و حفظ جان مردم غیرنظامی برعهده دارند.

در نتیجه پیروزی‌های مهم اخیر ارتش افغانستان بر نیروهای ضدانقلابی، برهان الدین ربانی رئیس باند اشرار موسوم به "جمعیت اسلامی" خواهان افزایش حمایت آمریکا از ضدانقلابیون شده.

چهارشنبه گذشته با بدرقه پرشور مردم کابل، خروج ۸ هزار نفر از نیروهای شوروی که جمعا شش هنگ را تشکیل می‌دهند، از افغانستان آغاز شد. شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اظهار داشت خروج شش هنگ شوروی، نشانه حسن نیت شوروی و افغانستان و در خدمت حل اوضاع پیرامون افغانستان است. ژنرال میخائیل زوتسکوف، نماینده ستاد کل ارتش شوروی، در این کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت این شش هنگ از سال ۱۹۷۹ در افغانستان مستقر بوده‌اند و اکنون به پادگان‌های خود در جمهوری شوروی ترکمنستان و سایر مناطق آسیای میانه بازمی‌گردند.

وزیر امور خارجه افغانستان گفت اقدام به بازگرداندن بخشی از نیروهای شوروی که تصمیم آن توسط دو کشور گرفته شده است، با تحکیم همه جانبه قدرت دولتی و ادامه تقویت توان رزمی نیروهای مسلح افغانستان امکان‌پذیر گردید. وی افزود خروج باقیمانده نیروهای شوروی پیرو قطع جنگ اعلان نشده امپریالیسم علیه کشورش خواهد بود. شاه محمد دوست، پایان دادن به مداخله و تجاوز خارجی را شرط اصلی برای برقراری صلح و امنیت در افغانستان خواند. ژنرال زوتسکوف در این باره اظهار داشت: "عقب نشینی کامل واحدهای شوروی از افغانستان با توافق دولت افغانستان و تنها زمانی صورت خواهد گرفت که دیگر مداخله‌ای از خارج در امور داخلی افغانستان وجود نداشته

انتظار دارید وعده شما را در مورد آگاه کردن ما از نتایج "ابتکار دفاعی استراتژیک" باور کنیم. این امر نوعی "انقلاب دوم آمریکا" خواهد بود. اما انقلابها نادرند. بگذارید واقع بینانه و قابل اجرا فکر کنیم." در مذاکرات ریکیاویک روشن شد که هدف از "جنگ ستارگان"، دفاع از خاک آمریکا در برابر موشکهای شوروی نیست. اتحاد شوروی پیشنهاد کرد این موشکها به تدریج از بین برده شوند. اگر موشکی در میان نباشد، چه نیازی به سیستم ضد موشکی هست؟ بنابراین، هدف از "ابتکار دفاعی استراتژیک" ریگان، کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی است. این طرح ماجراجویانه، در انظار همه جهانیان به عنوان مانع اصلی امر خلع سلاح افشا گردید.

مذاکرات ایسلند موقعیت جدیدی ایجاد کرد

میخائیل گارباچف در کنفرانس مطبوعاتی خود که بلافاصله پس از بی‌نتیجه ماندن گفتگوها در ریکیاویک برگزار شد، علت خودداری ریگان از پذیرش پیشنهادهای شوروی را که می‌توانست "عصر جدیدی" در روابط جهانی بگشاید، پیروی دولت آمریکا از مجتمع نظامی-صنعتی دانست. وی گفت مجتمع نظامی-صنعتی "قدرت را در دست دارد، و رئیس جمهور فاقد آزادی تصمیم گیری است."

رهبر شوروی در سخنرانی تلویزیونی سه‌شنبه گذشته، اعلام کرد علیرغم بی‌نتیجه ماندن گفتگوهای ایسلند، این مذاکرات موقعیت کیفی جدیدی ایجاد کرده است، موقعیتی که در آن هیچ کس نمی‌تواند مانند گذشته عمل کند. وی افزود: "این ملاقات، سودمند بود و زمینه را برای یک گام احتمالی به جلو، به سمت یک چرخش واقعی در جهت بهبود، در صورتیکه ایالات متحده آمریکا بالاخره مواضع واقع بینانه اتخاذ کرده و در ارزیابی اش تابع تصورات موهم نماند، آماده ساخت."

گارباچف تاکید کرد پیشنهادهای کشورش که در ایسلند ارائه شد، به قوت خود باقی است. پس از دیدار ایسلند، تقریبا همه ناظران بین‌المللی مسئولیت بی‌نتیجه ماندن این دیدار را به عهده ریگان دانستند.

که تا آغاز دور دوم (عصر روز شنبه ۱ اکتبر) باقی مانده بوده، هیئت آمریکایی تلاش کرد بهانه‌های جدیدی برای عدم پذیرش پیشنهادهای شوروی بیابد. در نوبت دوم مذاکرات، ریگان انواع و اقسام "راه‌حل‌های میانی" و آمار و ارقام و جدول‌ها را پیش کشید. دبیرکل حزب کمونیست شوروی بعدا در سخنرانی خود این مانورهای ریگان را چنین توصیف کرد: "فقدان حتی یک اندیشه نو، یک شیوه عمل جدید، حتی یک ایده که کوچکترین نشانه‌ای از هرگونه راه حل و پیشرفت داشته باشد... روشن شد که آمریکایی‌ها به ریکیاویک آمده بودند بدون آنکه چیزی در دست داشته باشند... رئیس جمهور آمریکا آماده نبود مسائل اصولی را در مقیاس بزرگ حل کند." اما عاقبت بر اثر تلاش‌های پیگیر طرف شوروی، طرفین در مورد همه موارد به غیر از "جنگ ستارگان" به توافق رسیدند. دو گروه کار از سوی اتحاد شوروی و آمریکا در تمام ساعات شب یکشنبه ۱۲ اکتبر درباره همه موارد توافق و بحث، به گفتگو نشستند. در نتیجه، امکان آغاز تدوین موافقتنامه‌ای درباره سلاح‌های استراتژیک و سلاحهای میان برد فراهم آمد. بدین ترتیب، مسئله قرارداد منع سیستم‌های ضد موشکی یا به عبارت دیگر مسئله جنگ ستارگان، به مهمترین مسئله در ادامه مذاکرات تبدیل شد.

جنگ ستارگان مانع اصلی خلع سلاح

در دور سوم گفتگوها، اتحاد شوروی پیشنهادهای خود را در مورد تقویت قرارداد "ای. بی. ام" (منع سیستم‌های ضد موشکی) و قطع انفجارهای هسته‌ای تدقیق کرد. اما رئیس جمهور آمریکا، حاضر نشد از ایده ایجاد یک چتر ضد موشکی بفرزاد ایالات متحده دست بکشد. وی به گارباچف پیشنهاد کرد اتحاد شوروی با ادامه انجام این پروژه موافقت کند و در عوض، آمریکا هر وقت به نتیجه رسید، نمرات تحقیقات را در اختیار اتحاد شوروی نیز بگذارد. پاسخ گارباچف چنین بود: "آقای رئیس جمهور، من این فکر شمارا جدی نمی‌گیرم. شما حتی حاضر نیستید به ما تاسیسات استخراج نفت و دستگاه‌های مخصوص کاوداری را بفروشید، اما

پایدار باد صلح جهانی!

بقیه از صفحه اول

تلاش‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیر دولتی برای پایان بخشیدن به این جنگ با شکست مواجه شده است، ابراز می‌دارد و از تمام ابتکارات سازنده برای پیدا کردن راه حل عادلانه برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق استقبال می‌کند و تمام نیروهای دمکراتیک و صلح دوست و جنبش جهانی سندیکاها را به تشدید تلاش نژد طرفین، برای برقراری صلح عادلانه و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای مزبور فرا می‌خواند.

قطعنامه یازدهمین کنگره

۲- تاثیر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران دو کشور بسیار مخرب است. ادامه آن خطری واقعی برای منافع مردم منطقه محسوب می‌شود و به حاکمیت ملی آنان لطمه می‌زند. این چیز در خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی نمی‌تواند باشد.
۲- حضور ناوگان آمریکا در منطقه مدیترانه و خلیج فارس، مداخله امپریالیسم در منطقه را افزایش می‌دهد و صلح جهانی را تهدید می‌کند.
۴- کنگره تاسف خود را از این که تمام

اقلیت : مرتجعین در کمین نشسته‌اند

بدست بگیرند." در اعلامیه مزبور مشخصه‌ها و وظایف حکومتی که باید پس از براندازی رژیم جمهوری اسلامی مستقر شود اینگونه ترسیم شده است: "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران... از استقرار یک حکومت انقلابی - دمکراتیک در ایران دفاع می‌کند که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد... سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب می‌باشد. ما از حکومتی دفاع می‌کنیم که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را برسریت بنشاند. هر گونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت، ملیت و قومیت را ملغی سازد. ما از یک حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع می‌کنیم که قادر است

در سالگرد جنگ اعلامیه‌ای با عنوان "قیام مسلحانه، راه‌حل انقلابی پایان دادن به جنگ" و با امضا "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" (اقلیت) منتشر شده است. در این اعلامیه ضمن تشریح فجایع ناشی از جنگ و جنایات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و تاکید بر ضرورت براندازی این رژیم، آمده است: "تجربه نشان داد که تنها سرنوشتی رژیم کافی نیست، بلکه مهم‌تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده‌های مردم قرار بگیرد تا باردیگر مرتجعین زمام امور را در دست نگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما بر این مسئله بهمان اندازه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی تاکید می‌کنیم، چرا که از کمین مرتجعین در کمین نشسته‌اند تا با سرنوشتی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را

اعتصاب غذا در استکهلم

حواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در خارج از کشور که مدت‌های زیادی از کار فعال مبارزاتی علیه رژیم جمهوری اسلامی باز داشته شده بودند، در سالگرد جنگ به این وقفه در از مدت پایان داده و در افشای تبهکاریهای رژیم اقداماتی انجام دادند، از جمله این اقدامات اعتصاب غذای حواداران این سازمان در سوئد است که از ۱۷ سپتامبر تا ۲۱ سپتامبر به طول انجامید. خواستهای اعتصاب کنندگان چنین بوده است:

۱ - از مبارزات خلقهای ایران علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق در جهت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی کنید.

۲ - صدور اسلحه سوئد به ایران را متوقف کنید"

گامهای اساسی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی بردار، یک حکومت انقلابی دمکراتیک کلیه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه‌داران بزرگ و انحصارات بین‌المللی را مصادره و ملی خواهد کرد. کلیه قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی را ملغی خواهد نمود... کلیه اراضی و املاک زمینداران بزرگ را به نفع دهقانان مصادره خواهد کرد..."

در این اعلامیه ذکر نشده است که در جهت دستیابی به آماجهای مذکور اقلیت و دیگر سازمانهای مترقی هم اکنون چه وظایفی برعهده دارند و اتحاد کدام نیروها می‌تواند شرایطی را پدید آورد که با سقوط رژیم خمینی "بار دیگر مرتجعین زمام امور را در دست نگیرند" •

"راه کارگر" و مسئله پناهندگان

مواضع استواری نشان دهد و بار دیگر ملاکهای راهنمای عمل قرار ندهد که پایبندی به آنها باعث گردید کوشش‌های پیشین فعالین این سازمان برای کار در میان پناهندگان هیچ نتیجه‌ای به‌بار نیاورد.

اعلامیه مزبور با این شعار پایان می‌یابد که "مستحکم باد اتحاد کلیه نیروهای ترقیخواه و انقلابی ایرانی و خارجی برای دفاع از حقوق صنفی و دمکراتیک پناهندگان! اما از آنها که تاکنون راه کارگر می‌چنگاه نخواستند است از "نیروهای ترقیخواه و انقلابی" ایرانی مورد نظرش نام ببرد و نیز نظریه رسمی این سازمان از نیروهای ترقیخواه و انقلابی "خارجی" با تلقی برخی از گروهها از قبیل "کومله" و "حواداران پیکار سابق" - که در اتحاد عمل با راه کارگر قرار دارند مغایرت دارد، روشن نیست که حواداران راه کارگر چگونه باید در راستای مضامین شعار فوق حرکت کنند

در پی اعمال تضییقات فزاینده بر علیه پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال، از سوی "کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" اعلامیه‌ای به تاریخ ۱۸ شهریور صادر گردید. در این اعلامیه با اشاره به این تضییقات، اهداف احزاب دست‌راستی و انحصارات امپریالیستی در آلمان فدرال افشا گردید و در پایان نتیجه‌گیری شد "اکنون که احزاب دست‌راستی شدیداً علیه حقوق پناهندگی موضع‌گیری و فعالیت می‌کنند، پناهندگان نیز باید به مبارزات دمکراتیک خود پیافزایند و تشکل‌هایشان را مستحکم کنند."

اعلام چنین مواضعی از سوی راه کارگر، مسئولانه و منطبق بر نیازهای واقعی پناهندگان است و نغی نظرگاهی است که حضور پناهندگان را در "زیر یک سقف" برای پی‌جویی اهداف دمکراتیک ناممکن می‌شرد. انتظار اینست که راه کارگر بتواند در این

مصاحبه بازرگان با روزنامه کیهان

بنا به خبری که از سوی "نهضت آزادی" منتشر شده است، چندی پیش روزنامه دولتی کیهان مصاحبه‌ای با مهندس بازرگان انجام داد که هنوز در این روزنامه درج نگردیده است. این مصاحبه به دنبال توصیه ولیعهد خمینی در تیرماه به روزنامه‌ها پیرامون درج نظرات "معتقدین به نظام جمهوری اسلامی" صورت گرفت. نخستین رئیس دولت جمهوری اسلامی در این مصاحبه ضمن "تقدیر و تشکر" از "شهامت و صراحت آیت الله العظمی منتظری" گلایه کرد که چرا برای نشر نظرات "گروههای طرفدار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی" محدودیت‌هایی دیده می‌شود. بازرگان در پایان این مصاحبه اظهار نظر کرد که اظهارات منتظری "به قصد تسکین و تبلیغ بیان نشده است بلکه احتمالاً مقامات و یقیناً آیت الله منتظری به این نتیجه رسیده‌اند که فضای باز سیاسی... شرط لازم جهت تفاهم و همکاری طبقات ملت برای خروج از بن‌بست‌های موجود و چاره‌جویی بحرانها می‌باشد." وی سپس ضمن توصیه‌هایی به مسئولین، به مردم تذکر داد که "پذیرش این دگرگونی... از جانب ملت و مردم با شایوری و عدم آمادگی مواجه نشود" وی هم چنین افزود که "پازگشت به آزادی نباید بهم ریختگی و فروپاشی نظام و قرارها باشد"

۷ کشته

نتیجه آخرین درگیری مسلحانه

کومله و حزب دمکرات

"بولتن خبری کردستان ایران" که از سوی حزب دمکرات کردستان ایران، در اروپا منتشر می‌شود، خبر داده است در روز ۲۳ شهریور یکبار دیگر میان پیشمرکه‌های حزب دمکرات و افراد مسلح کومله زدو خورد شدیدی در گرفت. در این زدو خورد، که در حوالی روستای "هه‌ریش‌شاور" در منطقه بوکان رخ داد، هفت تن از طرفین به قتل رسیدند که چهار نفر آنها پیشمرکه حزب دمکرات بودند.

در همین شماره بولتن خبری (شماره ۱۶۲) هم چنین اخباری از عملیات نظامی حزب دمکرات علیه نیروهای رژیم خمینی در طول شهریور ماه داده شد که از جمله آنها عملیاتی در منطقه اشویه بود. بتوشته بولتن، در این عملیات، در منطقه دول، لوله صادراتی گاز ایران - ترکیه منفجر گردید.

تشدید تبلیغات ضد انقلابی سلطنت طلبها

بلخ کشور اساساً توسط چند فرستنده رادیویی قوی پیش برده و هماهنگ می‌شود. آنها برای این کار مبالغه‌گرافی خرج می‌کنند. مخارج مختلف این تبلیغات توسط محافل امپریالیستی، سخاوتمندانه در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

تبلیغات شدت بیشتری خواهد یافت و شاپور بختیار به منظور گسترش "فعالیت‌های خود در ایران... در خارج از مملکت... میزان پرداختی‌های خود را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد داد." تبلیغات باندهای سلطنت طلب در

سلطنت طلبها که در ماههای اخیر و پس از مذاکرات سه‌جانبه رضا پهلوی - امینی - بختیار، تشبیهات خود را افزایش داده‌اند، با جنجال آفرینی‌های تبلیغاتی می‌کوشند اذهان را متوجه خود نمایند. به نوشته کیهان لندن (۲۴ مهر ۶۵) این

۲۰۰۰ تن در زلزله السالوادور کشته شدند



پیرزنی در برابر ویرانه‌های خانه اش.

زلزله جمعه دهم اکتبر سان سالوادور پایتخت السالوادور که خبر کوتاه آن را در شماره گذشته "اکثریت" آوردیم، بیش از شمار پیش‌بینی شده قربانی گرفته است. آگاهان، آمار کشته‌شدگان را حدود دوهزار تن ذکر می‌کنند. جستجو در زیر آوارها برای پیدا کردن اجساد قربانیان و نیز مجروحین ادامه دارد.

چپه‌رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی اعلام کرد به منظور تسهیل کمک‌رسانی به قربانیان زلزله، هرگونه عملیات نظامی علیه نیروهای رژیم دوارته را متوقف ساخته است و خواهان آن گردید که ارتش السالوادور نیز بدین منظور از ادامه درگیری‌های مسلحانه خودداری کند. مبین‌پرستان السالوادور هشدار دادند ممکن است رژیم دوارته از کمک‌های بین‌المللی به قربانیان زلزله، در جهت اهداف سیاسی و نظامی خود استفاده کند. چپه‌ر فارابوندو مارتی از دولت السالوادور خواست بخشی از کمک‌های نظامی میلیونی آمریکای اصراف بهبود وضع مجروحین و آوارگان زلزله کند.

اخبار کوتاه

* حزب کمونیست یونان در انتخابات شهرداری‌های این کشور پیروزی درخشانی بدست آورد. کاندیداهای حزب کمونیست توانستند در دو شهر لاریسا و ایراکلیون آرای حزب خود را به دو برابر (به ترتیب ۲ و ۲۲ درصد) افزایش دهند. ۱۸۰ تن از کاندیداهای حزب کمونیست برای احراز مقام شهرداری در انتخابات پیروز شدند. مرحله دوم انتخابات شهرداریها روز یکشنبه ۱۹ اکتبر برگزار گردید که هنوز نتایج آن بدست ما نرسیده است. ۶۰۰ تن از کاندیداهای حزب کمونیست از کاندیداهای این مرحله بوده‌اند.

* خاویر پیرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارشی به شورای امنیت خواهان عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از خاک لبنان و استقرار نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در امتداد مرز دو کشور شد. وی ادامه حضور نظامی اسرائیل و مزدورانش تحت عنوان "ارتش جنوب لبنان" به فرماندهی آنتوان لحد را تهدیدی دایمی علیه امنیت و آرامش خواند.

* نیروی هوایی اسرائیل بار دیگر به بیانه انفجار بمبی در بیت المقدس اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی را در لبنان بمباران کرد.

* پنج‌شنبه گذشته آمریکا بیست و دومین انفجار هسته‌ای خود را از هنگام توقف یک‌جانبه آزمایش‌های اتمی اتحاد شوروی، در صحرای نوادا انجام داد. شدت این انفجار ۵۰ کیلو تن و معادل بالاترین حد مجاز طبق قراردادها موجود بین المللی بود.

* در روز شنبه یازدهم اکتبر شبه‌نظامیان سازمان امل با میانجی‌گری سوریه به محاصره اردوگاه‌های فلسطینی در جنوب لبنان پایان دادند. به دنبال دو هفته زدوخورده امل و فلسطینی‌ها، در بیروت اعلام شد در این درگیری‌ها هفت تن کشته و ۴۴ نفر زخمی شدند.

صحنه‌سازی انتخابات در بنگلادش

چهارشنبه گذشته بدنال یک سلسله درگیری‌های خونین میان مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم ژنرال ارشاد در بنگلادش که به کشته شدن پنج نفر و مجروح گردیدن بیش از ۲۰۰ تن در آغاز هفته انجامیده بود، "انتخابات" ریاست جمهوری در این کشور برگزار شد. اپوزیسیون بنگلادش با توجه به ادامه حکومت نظامی در این کشور دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری کرده بود. گزارش خبرگزاری‌ها حاکی از آن است اکثریت قاطع مردم بنگلادش از دادن رای خودداری کردند. یکی از کارکنان یک حوزه انتخاباتی به خبرنگاران گفت اعضای حزب "جاتیا"ی ژنرال ارشاد، برگه‌های آرا را به درون صندوق‌های ریختند. در یک حوزه دیگر تا بعد از ظهر روز چهارشنبه تنها سه درصد واجدین شرایط رای داده بودند، اما تنها سه ساعت دیگر ۹۰ درصد "آرا" داده شده بود. یکی از کاندیداها گفت که نتوانسته است رای دهد زیرا پیش از آن کس دیگری به جای او رای داده بود!

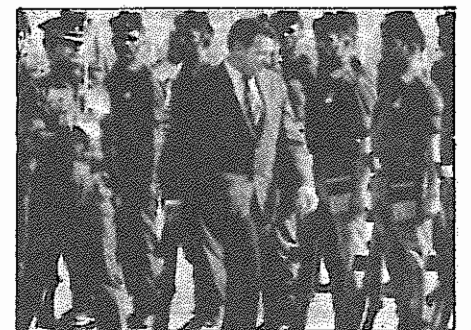
"اتحاد مردمی"، حزب حسنه واجد، دختر محبوب‌الرحمان رهبر فقید جنگ‌های استقلال بنگلادش به اتفاق دیگر احزاب اپوزیسیون اعلام زدن رنگ و لعاب "دمکراتیک" به رژیم دیکتاتوری ژنرال ارشاد است که در سال ۱۹۸۲ با یک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت. اپوزیسیون خواهان کناره‌گیری ارشاد و لغو حکومت نظامی است.

در تاریخ هفتم ماه مه سال جاری میلادی که "انتخابات" پارلمان بنگلادش برگزار شده بود، تمهیدات گسترده رژیم اگر چه اکثریت مطلق پارلمانی را برای حزب ژنرال ارشاد تأمین کرده بود اما اپوزیسیون نیز توانست تقریباً نیمی از کرسی‌ها را به خود اختصاص دهد. ارشاد که پیش از آن قول داده بود حکومت نظامی را پس از انتخابات پارلمان لغو کند، با مشاهده موفقیت احزاب مخالف در انتخابات پارلمانی وعده خود را زیر پا گذاشت و انتخابات ریاست جمهوری در شرایط ادامه حکومت نظامی به ریاست خود ارشاد برگزار شد. از این رو بود که احزاب اپوزیسیون دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری کردند.

سفر و این‌پرگر به هند

کاپسار و این‌پرگر وزیر دفاع آمریکا بدنال دیدار خود از چین، هفته گذشته وارد دهلی شد. ناظران خاطر نشان ساختند این سفر برای از سرگیری همکاری تسلیحاتی ایالات متحده و هند بدنال ۲۰ سال وقفه، صورت می‌گیرد. سفر و این‌پرگر کامی در جهت اجرای توافق‌های کلی حاصله در دیدار ۱۹۸۵ راجیو گاندی نخست‌وزیر هند از واشنگتن بود. قرار بود در جریان این سفر، چگونگی تحویل موتورهای جت شرکت آمریکایی جنرال الکتریک برای نصب روی هواپیماهای نظامی هندی تعیین گردد، اما خبرگزاری‌ها گزارش دادند که ظرفیت نتوانسته‌اند در این مورد به توافق نهایی برسند. این در حالی است که و این‌پرگر در آغاز سفر خود طی دیداری با راجیو گاندی آمادگی واشنگتن برای همکاری تسلیحاتی با هند را اعلام کرده بود.

روزنامه شوروی پر او را در تفسیری خاطر نشان ساخت سیاست خارجی صلح‌دوستانه هند با سیاست آمریکا که باعث پیچیدگی اوضاع در منطقه شده معایر است و از این رو، زمینه‌ای برای گسترش همکاری نظامی میان هند و آمریکا، آن‌گونه که و این‌پرگر خواهان آن شده است، وجود ندارد. پر او را افزود آمریکا از دادن پیشنهاد تحویل کالاهای نظامی به هند هدف اعمال نفوذ بر سیاست این کشور را دنبال می‌کند.



و این‌پرگر در فرودگاه دهلی از گارد احترام ارتش هندسان می‌پیند.

کنگره جهانی بمناسبت سال بین‌المللی صلح

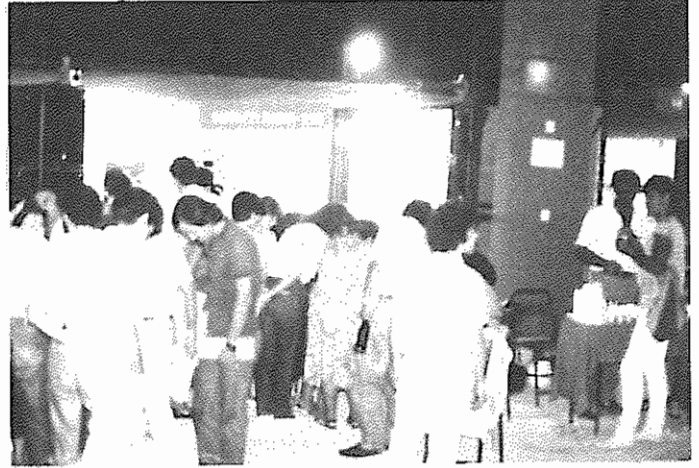
* مہبائی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
در کنگره جهانی کپنهاگ شرکت کرد.

به بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل مختلف مبارزه در راه صلح پرداختند. خاویر پرزدو کوئیاری دبیرکل سازمان ملل متحد پیامی تلویزیونی برای شرکت کنندگان در کنگره فرستاد. اکرون واید کامپ شهردار کپنهاگ در سخنرانی خود خواهان قطع مسابقه تسلیحاتی اتمی شد. هرمود لاثوفک، دبیرمات پرسابقه دانمارکی و رئیس کنگره، در نطق افتتاحیه اش از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات ریکیاویک میان گارپاچف و ریگان اظهار تاسف کرد و گفت نتیجه‌ای که باید از این امر گرفت "تشدید تلاش‌ها در جهت بسیج هر چه بیشتر نیرو علیه جنون هسته‌ای" است. وی خواهان قطع آزمایش‌های هسته‌ای و عدم اجرای پروژه جنگ ستارگان شد و پیشنهاد کرد کنگره کپنهاگ درباره یک کارزار مشترک جهانی برای قطع انفجارهای هسته‌ای به بحث بنشیند.

از روز چهارشنبه پانزدهم تا یکشنبه نوزدهم اکتبر در کپنهاگ پایتخت دانمارک کنگره جهانی جمعیت‌ها و سازمان‌های صلح به مناسبت سال بین‌المللی صلح که از سوی سازمان ملل متحد اعلام شده است، برگزار گردید. شعار کنگره از این قرار بود: "حفظ صلح و آینده بشریت". در کنگره کپنهاگ بیش از ۲۳۰۰ نماینده، از جمله هیات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) شرکت کردند.

بلافاصله پس از اجلاس افتتاحیه کنگره، در مراکز مختلف کار کسیون‌ها آغاز شد. از جمله مراکز کار، مرکز زنان بود که به فعالیت‌های مختلف زنان نقاط مختلف جهان برای صلح اختصاص داشت. یکی دیگر از مراکز، "مرکز جوانان" نامگذاری شده بود. نمایندگان جمعیت‌ها و سازمان‌های صلح دوست از ۱۲۲ کشور

جشن صلح، آزادی و همبستگی در یونان



زیبایی نیز برپا گردید. در این غرفه که با شعارهایی در مورد صلح، همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و ضرورت سرنگونی رژیم خمینی تزئین شده بود، میز کتاب و نشریات و کارهای دستی ایرانی نیز دایر شده بود. در طی جشن، جوانان پیشگام ضمن افشاکاری در مورد جنایات رژیم خمینی و وضعیت زندانیان سیاسی ایران، مبارزات مردم ایران و رزم شوکمند فدائیان خلق در راه آرمانهای طبقه کارگر را برای بازدید کنندگان از غرفه پیشگام، تشریح کردند.

در این جشن همچنین، "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" نیز با برپایی غرفه‌ای و ارائه نشریات، به افشاکاری علیه رژیم خمینی پرداخت.

علاوه بر آن، در شهر سالونیک هم سازمان جوانان حزب کمونیست یونان جشن باشکوهی برگزار کرد. در جشن شهر سالونیک نیز جوانان پیشگام حضور داشتند.

غرفه‌های سازمان جوانان پیشگام در جشن کمونیست‌های جوان یونان در شهرهای آتن و سالونیک مورد بازدید و استقبال گروهی از ایرانیان مقیم یونان نیز قرار گرفت. عکس‌ها صحنه‌ای از غرفه جوانان پیشگام را نشان می‌دهد.

جشن سازمان جوانان حزب کمونیست یونان، امسال نیز بزرگترین تجمع سیاسی - فرهنگی این کشور را به نمایش گذاشت. در روزهای ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر بیش از ۶۰۰ هزار نفر در این جشن که در سه شهر یونان برگزار گردید شرکت کردند. جشن کمونیست‌های جوان یونان جشن صلح و آزادی و جشن همبستگی با مبارزات ضد امپریالیستی همه خلق‌های جهان بود. این جشن با شعار اصلی "بامبارزه، جبهه جدید جوانان را برای همبستگی و سوسیالیسم می‌سازیم" برگزار شد. در آتن، در محل جشن، ده‌ها غرفه برپا گشته بود که به احزاب و سازمان‌های میهمان اختصاص داشت. در جشن امسال سازمان جوانان کمونیست یونان، نمایندگان سازمان‌های جوانان کشورهای سوسیالیستی و همچنین ۶۲ هیات نمایندگی از سازمان‌های پیشرو جوانان کشورهای مختلف شرکت داشتند.

در جشن سازمان جوانان حزب کمونیست یونان، سازمان دانشجویان پیشگام ایران نیز حضور داشت و پیام تهریکی نیز از سوی کمیته مرکزی سازمان دانشجویان پیشگام برای سازمان جوانان کمونیست یونان ارسال شد. توسط جوانان پیشگام، غرفه

در صفحه ۱۴ می‌خوانید:

- راه کارگر و مسئله پناهندگان
- اقلیت: مرتجعین در کمین نشسته‌اند
- ۷ کشته، نتیجه آخرین درگیری مسلحانه کومله و حزب دمکرات
- مصاحبه با وزیران با روزنامه کیهان
- تشدید تبلیغات ضد انقلابی سلطنت طلب‌ها

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (ویا معادل آن کوبین بین‌المللی بستی)

به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك نشریه "کار":
۱۱ مارك	۱۳ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۲۱	۲۴	<input type="checkbox"/> يك ساله

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك نشریه "اکثريت":
۲۷ مارك	۳۰ مارك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۵۲	۵۸	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۰۲	۱۱۵	<input type="checkbox"/> يك ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 129
MONDAY OCT 20, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHFT)
NR. 02910701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!